

IL GÜN

ایل گون

No.17 March 2001

سال پنجم - شماره ۱۷ اسفند ۱۳۷۹

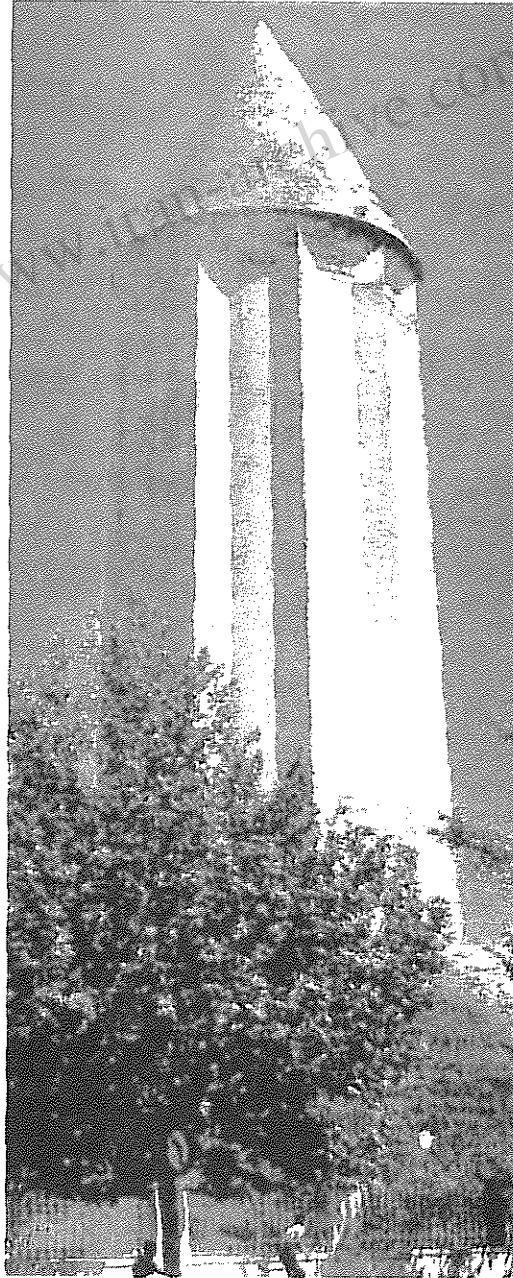
Garasşyz türkmen neşriýesi

نشریه مستقل ترکمن

Gabus diňi

Günbed Gabus

şäherinde



برج قابوس ابن وشمگیر

در شهر گنبد کاوس

فهرست مطالب :

- ۲ توانایی های اندیشه روشنگر
- ۶ دغدغه های دولت مرکزی در ترکمنصحرا
- ۹ چه کسانی بحران ساز هستند ؟
- ۱۱ مسئله ملی، دموکراسی، رد یا پذیرش
- ۱۲ بیگانه ای که یگانه شد
- ۱۵ خاتمی و پان ایرانیسم
- ۱۷ سمینار بررسی وجود ستم ملی در ایران
- ۱۸ همگامی و همکاری نیروهای ملیت های تحت ستم...
- ۲۱ تمرین دموکراسی
- ۲۴ اخبار

توانایی های اندیشه روشنگر

ویکتور هوگو نویسنده و شاعر نامدار فرانسوی میگوید: «هیچ چیز نیرومندتر از اندیشه ای نیست که روزگار آن فرا رسیده باشد».

در ایران اندیشه دمکراسی، اندیشه جدایی دین از دولت، اندیشه جامعه ای آزاد و ... روز به روز نیرو و قوت بیشتری می یابد. اندیشه دمکراسی و عدالت اجتماعی در بطن جامعه ایران جریان یافته است. این اندیشه به نبرد با اندیشه واپسگرا، انحصارطلب و ضد آزادی برخاسته است. ولی این یک نبرد ساده و یک خطی نخواهد بود.

در انتخابات ریاست جمهوری ۷۶ این اندیشه مادیت خود را نشان داد. بخشی از حاکمیت وضعیت نوین را دریاخته و سعی نمود که خود را با شرایط نوین جامعه تطبیق دهد. آنها صحبت از جامعه مدنی نموده و نوید برخی تحولات اجتماعی و سیاسی را ندا دادند. اما این بخش از حاکمیت با تعمیق مبارزات و خواست های مردم تزلزل خود را در تداوم سیاست های اصلاح طلبانه اش نشان داد.

طبیعی است که در این نبرد نیروی واپسگرا و قدرتمند که اهرمهای اصلی قدرت دولتی را در اختیار دارد به راحتی

تسلیم نمیشود. وی بشدت در مقابل نیروی بالنده اجتماعی مقاومت می کند و سعی می کند بهر شکل ممکن آن را به انحراف و شکست بکشاند. زندانی بسیاری از روشنفکران، اعدام و کشتار آنها، تهدید و ارباب مردم جزیبی از سیاست های آنها در این راستاست و مسلم که آخرین آنها نیز نخواهد بود. تجربه تاریخ نشان داده است که آنها تا آخرین لحظه مقاومت کرده اند.

اما مسئله این است که چگونه میتوان مقاومت و پایه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این بخش را خنثی و بر آن غلبه نمود. این نیز به قاطعیت، داشتن برنامه عمل مشخص و پیگیر بودن نیروهای حامل اندیشه نو بر میگردد.

در این گونه نبردها توازن قوا اکثرا آنچنان بوده که در مقابل نیروی واپسگرا که ابزار قدرت حکومتی را در دست دارند، مردمی بدون برخوردارگی از قدرت دولتی قرار دارند. اما بزرگترین حربه مردم فشار گسترده اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از طریق ایجاد تشکلهایی در جامعه و سازماندهی مبارزات خود از طریق این تشکیلاتها بوده است.

در ایران نیروی موسوم به دوم خردادی نمیخواهد و شاید هم نمی تواند از این

پتانسیل عظیم مقابله با نیروی ضدمدنی در حاکمیت بهره جوید. نقش مردم و احترام آنها به مردم عمدتا در ماشین رأی بودن خلاصه میگردد و بقیه مبارزه را خودشان در معاملات پشت پرده و در بالا پیش می برند. تاکنون به تجربه به اثبات رسیده است که تا وقتی این درگیرها در بالا و بدون حضور گسترده و سازمان یافته مردم صورت گیرد تغییری در وضعیت پیش نیامده، بلکه آنچه هم که در سالهای قبل نیروهای دوم خردادی بر اثر وحشت نیروهای راست از حضور توده های مردم بدست آورده بودند، کم کم پس می دهند. تعطیلی روزنامه ها، هیچکاره شدن مجلس، قربانی شدن بسیاری از نیروهای دوم خردادی خودی مانند کنجی، حجاریان، ... نمونه های آن است.

نیرویی که بخواهد اصلاحات را در چارچوب حاکمیت پیش ببرد از آنجایی که نیروی مقابل اهرم های فشار حکومتی را در اختیار دارد، مجبور میشود که در ادامه نبرد به آنها تمکین نماید. نمونه بارز آن در لایحه بودجه

بقیه در صفحه بعد

ادامه از صفحه قبل

توانایی های اندیشه..

سال آینده دولت است که بودجه انمه جمعه، شورای نگهبان، روحانیت و امثالهم که قدرت نیروی واپسگرا در آن نهفته است به چندین برابر افزایش یافته است. این در حالی است که ظاهرا دولت در اختیار نیروهای اطلاع طلب دوم خردادی قرار دارد.

در ماههای اخیر درگیری مابین جنبش مردمی یا حاکمان انحصارطلب وارد فاز جدیدی گشته است. جناح انحصارطلب بسیار گستاختر شده و خود را به عیان در مقابل جنبش اصلاح طلبی قرار داده است. ۱۵۰ نفر از نمایندگان مجلس، شورای عمومی دانشجویان دانشگاههای تهران و برخی شخصیتهای دیگر طی نامه ای خطاب به خامنه ای، ولی فقیه، اوضاع حاکم بر سیاست ایران و نقش وی در این وخامت اوضاع و بخصوص عملکرد قوه قضاییه را مورد انتقاد قرار دادند. تظاهرات و اعتراضات بر علیه استبداد و ظلم روز به روز گسترش می یابد. دانشجویان در تهران در روز ۲۲ بهمن همزمان با تظاهرات دولتی بر علیه رژیم به تظاهرات پرداختند که البته با سرکوب شدید مأمورین امنیتی مواجه شده و تعدادی از آنها دستگیر شدند.

جمعیت مؤتلفه و برخی ارگانهای همسوی آنها ارگانهای اصلی سرکوب و قوه قضاییه

را در انحصار کامل خود در آورده اند. چنین بنظر می آید که ولی فقیه و رئیس قوه قضاییه در مقابل آنها کاره ای نیستند. آنها هستند که سیاستهای بگیر و ببند را دیکته می کنند.

ولی فقیه، قوه قضاییه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت و برخی ارگانهای دیگر که قدرت واقعی را در اختیار دارند ارگانهایی هستند که انتخابی نمیشوند و بدین خاطر از حیظه نظارت و جوابگویی بدور هستند. دیگر ارگانها مانند ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی که انتخابی هستند دارای قدرتی واقعی نمی باشند. این وضعیت منتج از روح قانون اساسی جمهوری اسلامی است. این وضعیت نمیتواند بدین شکل پایدار بماند. آقای عباس عبدی عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت اسلامی، قویترین تشکل جبهه دوم خرداد، در مصاحبه ای با روزنامه عصر ما این وضعیت را بدین شکل فرموله می کند که قانون اساسی جمهوری اسلامی از تضادی رنجور است که جز از راه يك همه پرسی نمیتوان آنرا حل نمود. وی میگوید که حکومت یا منشاء الهی دارد که به موجب آن ولی فقیه سرپرست مردم است و در اینصورت مجلس شورای اسلامی نیز يك مجلس مشورتی خواهد بود و یا اینکه همه نهادهای کشور مشروعیت خود را از رأی آزادانه مردم بدست می آورند.

در این شرایط بفرنج سیاسی در چند

ماه آینده انتخابات ریاست جمهوری برگزار خواهد شد. خاتمی مجدداً کاندید جبهه دوم خرداد خواهد بود. جناح راست آنچنان در میان مردم پایگاه خود را از دست داده که نمیتواند حتی يك نفر مورد قبول را بعنوان کاندید معرفی نماید. برای آنها نیز مناسب ترین همان خاتمی خواهد بود که تاکنون توانسته بسیاری از نیروهایی را که خواهان تحولاتی در وضعیت کنونی هستند، مهار نماید. راست ها میتوانند با فشار بیشتری بر خاتمی این روند را تا مدتی همچنان ادامه دهند.

برخی نیروهای چپ دوم خردادی شعار "تبدیل انتخابات ریاست جمهوری به فراندوم" را به میان می کشند. اولاً که مضمون این فراندوم را مشخص نمی کنند و در ثانی آنها با این شعار میتوانند بسیاری از مردم را که از خاتمی و وعده های او خسته شده اند دوباره به پای صندوق های رأی بکشانند. ولی پیشبرد این شعار برای این جناح چپ دوم خردادی ها مشکل خواهد بود. جناح میانه و خاتمی موافقت خود را با این شعار نشان نداده اند و طبیعی است که محافظه کاران شدیداً با آن مخالفت کنند. برای محافظه کاران بهترین آن است که

بقیه در صفحه بعد

ادامه از صفحه قبل

توانایی های اندیشه ...

این انتخابات بدون سروصدا و با حضور هرچه کمتر مردم برگزار شود که بیشتر فورمالیته باشد. به همین خاطر است که اکنون جناح راست سعی می کند که آقای تاج زاده معاون سیاسی وزیر کشور را که مسؤل برگزاری انتخابات ریاست جمهوری شده، به کنار بزند. وی را به اتهام تخلف در انتخابات مجلس در تهران به محاکمه می کشند. این در حالی است که رئیس مجلس و حتی رئیس قوه قضاییه انتخابات تهران را تأیید کرده و آقای تاج زاده را از تخلف مبرا دانسته اند. علیرغم اینها جناح قدرت طلب مصمم به حذف آقای تاج زاده است، چون آقای تاج زاده از مخالفین سرسخت جناح راست است.

بهرحال انتخابات ریاست جمهوری باز امکانی دیگر برای اصلاح طلبان است. آیا در این فرصت مرعوب قدرت راستگرایان خواهند شد و یا اینکه آنچه را که گفته اند یعنی به داوری خواستن مردم در این چالش، فراندوم را پیش خواهند برد؟

در خرداد ۱۳۸۰ انتخابات ریاست جمهوری برگزار خواهد شد. به احتمال بسیار آقای خاتمی مجدداً کاندید این مقام خواهد بود. ستادهای انتخاباتی تشکیل شده و فعالیتها و تبلیغات آغاز خواهد شد. در مناطق ملی مانند منطقه ما بایستی از این فرصت برای بیان

مشکلات و مسائل منطقه، برای بیان دردهای فرهنگی و ملی جامعه ترکمن، برای محدودیت های اجتماعی اقتصادی و سیاسی و مذهبی که برای ترکمن ها وجود دارد، استفاده نمود. بایستی به آقای خاتمی و یاران او یادآور شد که چگونه آنها در چهار سال قبل با شعارهایی در رابطه با جامعه مدنی پیش آمدند و چگونه آنها در انتخابات مجلس شعار "ایران برای همه ایرانیان" را پیش کشیده و با دیگر شعار های خود پشتیبانی اکثریت قاطع مردم را حتی در مناطق ملی بدست آوردند. اما آنها در ادامه سیاستهای خود همه را به فراموشی سپردند.

در این نبرد عظیم اجتماعی که در ایران جریان دارد نیروی روشنگری و عدالت اجتماعی بر مستبدان پیروز خواهد شد. استبداد و دیکتاتوری و نابود کردن انسانهای آزاداندیش در هیچ کجای دنیا پایدار نمانده است. ایران نیز از تمام دنیا استثناء نیست. سرنوشت دیکتاتورهای ما که در مقابل مردم می ایستند بهتر از دیکتاتورهایی مانند دیکتاتورهای فیلیپین، اندونزی و یا یوکسلاوی نخواهد بود. دیکتاتورهای ما بایستی هنوز خاطره سقوط شاه را در زمانی کوتاه از اوج قدرت به حسیض ذلت فراموش نکرده باشند.

در این نبرد چگونه نیروی اندیشه بر

تاریک اندیشی پیروز خواهد شد راه پر پیچ و خم با ویژگیهای جامعه ایران خواهد بود. عاقلانه ترین راه این است که در قرن بیست و یکم مانند انسانهای متمدن بدون خونریزی و کشتار اندیشه نو بر تاریک اندیشی و ستم از راه های عقلانی پیروز گردد. ولی نیروی اندیشه و مردم آزادخواه فقط یکطرف قضیه هستند. جانب دیگر قضیه انحصارطلبان و تمامیت خواهان هستند. آنها در مقابل حضور گسترده و یکپارچه مردم و متشکل شدن آنها در واحدهای صنفی، سیاسی و اجتماعی و حضور فعال در عرصه سیاست و اجتماع به عقب رانده خواهند شد. این عرصه ای است که راستگرایان از آن وحشت دارند. بایستی که نبرد را به این میدان کشاند.

مئراد

ادامه از صفحه ۱۰

چه کسانی ...

سوق دادن این جنبش های سالم مناطق ملی به سمت تخریب است. آنها هستند که با این سیاست امنیت ملی را بخطر می اندازند نه نیروهای مناطق ملی. حاصل این سیاست های تخریبی و بدبین کردن نسبت به مردم مناطق ملی خیانت به منافع ملی همه ایرانیان خواهد بود.

می بایستی که این نقشه های خائن بر انداز انحصارطلبان را افشاء نموده و هشیارانه با آن مقابله نمود.

مئراد

دغدغه های دولت مرکزی در ترکمنصحرا

یک بررسی که اخیراً توسط سازمان برنامه بودجه انجام گرفته بود، نشان می دهد که در سال ۱۳۷۷، بیش از ۱۸ درصد از جمعیت شهری و بیش از ۲۱ درصد از جمعیت روستایی کشور دچار فقر اقتصادی بوده اند. فقر مانعی برای شکوفا شدن استعداد های انسان و در نتیجه، موقعیتی ضد انسانی است. وجود فقر نشانه ناکارایی است و نظامی که نتواند در جهت کاهش فقر در میان مردم و در نتیجه کاهش موانع پیشرفت و بالندگی فکری افراد گام بردارد، نام نیکی از خود به یادگار نخواهد گذاشت.

ترکمنصحرا و توسعه اقتصادی

ترکمنصحرای ایران شامل مناطق وسیعی در شمال شرقی ایران است. شرایط خاصی بعد از پیروزی انقلاب ۵۷ بر این منطقه، از جوانب مختلف تحمیل گردید که عمده دلایل رکود فعالیت های اقتصادی دولت مرکزی در آن منطقه بود.

اوج رشد اقتصادی ترکمنصحرا را باید در سالهای ۵۴-۵۳ جستجو کرد. در این سالها برداشت محصول استراتژیک پنبه به اوج خود رسیده بود جایی که اشتغال زایی، صادرات و ارز آوری آن زبان زد همگان بود و شاید با جرات می توان گفت، پس از نفت مهمترین محصول در راه توسعه صادرات بود. سالهایی که کارخانه های پنبه بیش از ۶ ماه مدام مشغول کار بودند و طیف وسیعی از کارگران، کارشناسان، و کشاورزان در چرخه تولید و اشتغال فعالیت داشتند. اما طی سالهای اخیر دیگر از آن هیاهو، کار، تلاش و تکاپو خبری نیست. رکود، انفعال و بعضاً سردی بر کارخانه ها حاکم است. دیگر چرخ دنده ها برای مدتی طولانی به صدا در نمی آیند. با افزایش ۴۴ هزار هکتار سطح زیر کشت محصول پنبه در سال جاری چیزی حدود ۳۰ هزار تن پنبه مازاد بر نیاز داخلی روی دست کشاورزان مانده است. از طرفی گفته می شود بانک کشاورزی که قرار بود از محل تبصره سه، اعتباری را برای رونق بازرگانی پنبه تخصیص دهد تا کنون از انجام چنین کاری خودداری کرده است.

در حالی که سالهای قبل، وضعیت تولید پنبه چنان بود که صاحبان صنعت نساجی، اصلی ترین مصرف کننده این محصول از کمبود آن در داخل می نالیدند. علاوه بر آن همچنان محدودیت صادرات پنبه اعمال می شود. اگر ۵ هزار تن پنبه فروش نرفته سال قبل را هم به آن اضافه شود امسال چیزی حدود ۳۵ هزار تن پنبه تولیدی روی دست کشاورزان مانده که کارخانه های نساجی به بهانه نداشتن نقدینگی از خرید آنها با قیمت مصوب ۳۴۰ تومان خودداری می کنند و دلالت این در این زمینه آنها را یاری می دهند.

بانک کشاورزی موظف بود از محل اعتبارات تبصره سه، ۲۵۰ میلیارد ریال وام را که توسط بانک مرکزی در اختیارش قرار گرفت به صندوق پنبه بدهد تا کارخانه های نساجی بتوانند با استفاده از آن مشکل نقدینگی خود را جهت خرید پنبه از کشاورزان حل کنند، اما بانک کشاورزی این کار را نکرد. توجه بانک کشاورزی این است که چون امسال خشکسالی بود و کشاورزان نتوانستند وام های خود را باز پرداخت کنند اعتبار جهت آرایه تسهیلات لازم به بازار پنبه وجود نداشت در حالی که

بقیه در صفحه بعد

این توجیه صحیحی نیست زیرا اعتبار مذکور از سوی دولت در اختیار بانک مرکزی قرار گرفته تا از طریق بانک عامل یعنی بانک کشاورزی هزینه شود .

البته دو راه حل اساسی در این زمینه وجود دارد که هر دوی آنها عملی است ، اول اینکه آن اعتبار از سوی بانک کشاورزی هر چه سریعتر تخصیص یابد که بدلیل توان مالی مناسب دولت این اقدام غیر ممکن نیست . دوم اینکه مجوز صادرات ۳۰ هزار تن پنبه اضافی به خارج داده شود که تاکنون با صدور ۱۰ هزار تن آن موافقت شده است و هم اکنون هر کیلو پنبه ایران را در بازار لیورپول انگلیس ۱۴۰ سنت می خرند. در حال حاضر پنجاه هزار خانوار کشاورزی در این استان از محل در آمد کشت پنبه امرار معاش می کنند.

در جهت حل مشکل عدم اشتغال در ترکمنصحرا باید اضافه شود که امکانات بالقوه و دست نخورده زیاد است. در حال حاضر در منطقه زمین های بلا تکلیفی تحت عنوان قطعات ۱۹ هزار هکتاری - ۲۴ هزار هکتاری - مستثنیات ۳۷۶۴ هکتاری (در بخش ۱۰) ۷ هزار هکتاری (که قبلا اسناد آن به نام کامران فرزند عبدالرضا پهلوی بوده که در حال حاضر در اختیار بنیاد مستضعفان است که با کشاورزان منطقه طی قراردادهایی کشت می شود) که مورد اعتراض کشاورزان و دامداران روستاهای نوار مرزی نیز می باشد، زیرا که آنها مدعی هستند که قبلا زمین های موصوف مال خودشان بوده است . تمامی اسناد و مدارک و شکوائیه های کشاورزان و دامداران منطقه موجود است.

اگر چنانچه بین مدیران و مسئولان سازمان جنگل ها و مراتع - مدیریت امور ارضی - بنیاد و سایر نهاد ها همکاری و هماهنگی بیشتر باشد و از یک برنامه صحیح برخوردار گردد قطعا زمینه های تقویت و تولید در جهت تغذیه و اشتغال زایی برای همه بیشتر فراهم خواهد شد و رضایت اکثریت اقشار جامعه و بدنه نظام مدیریتی جلب می شود مشروط بر اینکه مسئولان خود را متقاعد سازند و به خود بقبولانند که حداقل چند درصدی از حق مردم را به خودشان واگذار نمایند.

با راه اندازی اسکله بندر ترکمن که پار سال با حضور وزیر کشور و یکی از مقامات ترکمنستان افتتاح شده بود، می توان در جهت ایجاد شغل برای جوانان در ترکمنصحرا کمک شایانی نمود، اما عدم صدور مجوز ماده ۴ قانون گذرنامه برای اسکله بندر ترکمن از مسایلی است که آن را از فعالیت باز داشته است .

بعلاوه ترکمنصحرا از ظرفیتی بنام " آثار و میراث فرهنگی " برخوردار است که متأسفانه از این ظرفیت استفاده مطلوب نمی شود. این منطقه با توجه به غنای تاریخی و باستانی خود نیازمند یک گنجینه است . علاوه بر وجود آثار باستانی موجود نظیر برج قابوس ابن وشمگیر ، سد اسکندر ، آرامگاه یحیی ابن زید و شهر باستانی جرجان آثار فراوانی نیز در اثر حفاری های انجام شده کشف شده است . وجود یک گنجینه موجب خواهد شد تا مردم این خطه با پیشینه تاریخی خود بیشتر آشنا شوند. برخی از مکان های باستانی این منطقه معمولا از سوی افراد سودجو حفاری شده و آثار باستانی موجود در آنها به غارت می رود. لازم است مدیریت میراث فرهنگی با اجرای حفاری اصولی اقدام به بیرون آوردن آثار باستانی کند.

شهر باستانی جرجان یکی از این مناطق است که حفاری های اصولی علاوه بر کشف کردن حقایق بیشتر از این شهر قدیمی باعث جلوگیری از تخریب بیشتر آن خواهد شد. در حالی که اگر امکانات لازم فراهم شود ، صنعت گردشگری می تواند با رونق خود به بخشی از نیاز اشتغال در ترکمنصحرا باکمترین سرمایه گذاری پاسخ گوید. به قول دکتر رسول وطن دوست ، رئیس پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی : "در دشت ترکمن ، بقدری آثار ارزنده ی باستانی وجود دارد، که اگر سازمان میراث فرهنگی ایران، تمامی کارشناسان خود را به آنجا بفرستد ، تا نیم قرن دیگر کاوش های باستانی این ناحیه به پایان نخواهد رسید".

عدم رسیدگی به نقاط تاریخی و گردشگری و سیاست هویت زدایی دولت مرکزی در ترکمنصحرا ، باعث شده که این سرزمین در اذهان پایتخت نشینان بنام شهرستان گرگان و چند شهرک حومه آن شناسایی شود. درحالی که قسمت اعظم خاک استان جدیدالتاسیس گلستان را، ترکمنصحرا تشکیل می دهد. چه ترکمنصحرا را در حال حاضر "گلستان" بنامیم، چه پنداریم که این سرزمین زمانی قلمرو سلسله های آریایی بوده است ، چه زبان مردم این خطه را "لهجه" بدانیم هیچ کدام یک از این فرضیات در این واقعیت تغییری نمی دهد که امروزه در ترکمنصحرای ایران قریب به سه میلیون ترکمن زندگی می کند. نگارنده بر این عقیده است که ترکمنصحرا با قدمت هزاران سال سابقه و داشتن ویژگی های ممتاز در ابعاد اقتصادی، فرهنگی ، تاریخی ،

اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی استحقاق تبدیل به استان مستقل را دارد. توسعه اقتصادی ترکمنصحرای ایران تابعی از توسعه سیاسی این منطقه می باشد. بدون توسعه سیاسی امکان توسعه اقتصادی در این منطقه وجود ندارد. اگر چه اصلی ترین مشکل مردم ترکمنصحرا در شرایط کنونی، مشکل اقتصادی است، ولی توسعه سیاسی، پیشتاز توسعه اقتصادی است. به همین دلیل، با وجود محرومیت و مشکلات اقتصادی، ۶۲٪ از مردم ترکمنصحرا در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶ و انتخابات مجلس در سال ۱۳۷۸، به کاندیدیهایی رای دادند، که شعارهایشان عمدتاً سیاسی بوده است نه اقتصادی.

توسعه سیاسی، بعنوان رکن اصلاحات، صرفاً از راه درگیری های سیاسی تحقق نمی یابد. بلکه کار اساسی بردن مفاهیم این توسعه - از قبیل اجرای کامل قانون اساسی، به رسمیت شناختن همگی ملیتها و فرهنگ ها و ... به میان مردم است. جامعه ایران در طول دوره های مختلف تاریخی همواره ترکیبی از اقوام مختلف بوده است. نباید از یاد برد که همه این تنوع ها در تضاد با یکدیگر نیستند بلکه این تنوع های گوناگون و گاه متضاد در نقاطی به هم می رسند یعنی در نقاطی این اقوام و فرهنگ ها دارای خواست ها و علایق و ارزش های مشترکی هستند که شناسایی و تقویت آنها به نفع کشور می باشد. در جامعه ای مثل جامعه ایران که از اقوام مختلفی تشکیل شده است باید در نظام سیاسی و اجتماعی به جای یک "ملت" واحد به عنوان یک "جامعه" که مفهومی گسترده تر دارد نگریسته شود. چرا که جامعه می تواند از نژادها، ملیت ها، زبانها و حتی مذهب های مختلفی بوجود بیاید و امنیت چنین جامعه ای با گفت وگویی اقوام تقویت شود.

علاوه بر رسمیت شناختن اقوام، هویت ها و فرهنگ های مختلف و جایگزین کردن "جامعه" به جای "ملت" یعنی حاکمیت باید بدون دغدغه و وا همه و هراس بخشی از قدرت خود را به دیگران واگذار نماید و یک سری اختیاراتی را به مراکز استانها بدهد تا این مراکز تصمیمات خود را با توجه به نیازها و سلیقه فرهنگی و قومی خود اتخاذ نمایند و همیشه دستورات خشک از مرکز صادر نگردد تا ضمانت اجرایی بیشتری داشته باشند.

طرحی مثل گفت وگویی تمدن ها نباید در حد نظری و سمبولیک باقی بماند و زمینه اجرایی گسترده پیدا نکند. اولین مرحله دستیابی به طرح گفت وگویی تمدن ها در سطح جهان به رسمیت شناختن فرهنگ ها، هویت ها و تمدن های مختلف در درون کشور و طرح گفت وگویی آنهاست. شرط اول گفت وگو و قبول موجودیت است و وقتی که دولت مرکزی موجودیت هویتی را قبول ندارد چگونه می خواهد چهره دموکراتیک بر خود بگیرد. با تمام این تفاسیر تنها راه حفظ امنیت و ثبات و حفظ تمامیت ارضی ایران همان به رسمیت شناختن فرهنگ ها و هویت های مختلف و ایجاد زمینه گفت وگو بین آنهاست.

موسی

منبع :

- ۱- صنعت نساجی در جدال با پنبه کاران - روزنامه دوران امروز. چهارشنبه ۲۳ آذر ۱۳۷۹
- ۲- فرا کشت گنبد را در یابید. رجب محمد بشارتی فر - روزنامه همبستگی، ۹ آذر ۱۳۷۹
- ۳- ضرورت تاسیس گنجینه در گنبد کاووس - روزنامه دوران امروز. دوشنبه ۲۱ آذر ۱۳۷۹
- ۴- همبستگی با اقوام - علی حامد ایمان - روزنامه همبستگی. پنجشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۷۹

چه کسانی بحران ساز هستند؟

در ماهنامه "گزارش" شماره ۱۱۷ چاپ تهران در قسمتی از گزارش "ایران در مربع شوم بدخواهان بحران ساز" آمده است "باید نسبت به بحرانهای نیمه پنهان در خراسان، شمال استان گلستان، آذربایجان، خوزستان، بلوچستان و آن سوی مرز کردستان متوجه باشیم".

در این نوشته وضعیت آذربایجان نگران کننده، محل فعالیت پان ترکیستها همراه با تدارک های مسلحانه گزارش میشود. کردستان مترصد فرصتی برای آتش افروزی و تحریک و تنش در خوزستان بسیار جدی گفته شده و فریاد بر آورده میشود که "امنیت و تمامیت ارضی ایران در خطر است".

این مناطقی که در این نشریه راست گرایان بدانها اشاره رفته همگی مناطق ملی تحت ستم و مورد سرکوب واقع شده هستند.

آیا در این مناطق وضعیت واقعا بدانگونه که تصویر شده است، می باشد؟ برچه اساس و چه نیاتی این گزارش تهیه شده است؟ تهیه این گزارش اتفاقی و بر اساس نظر یک فرد نمی تواند باشد. این گزارش کاملا غیر واقعی مبنای سیاست های قدرتمندان کنونی جمهوری اسلامی در رابطه با مناطق ملی است. این نوشته در حقیقت اشاره ای و چشم غره رفتنی به روشنفکران مناطق ملی است وگرنه آنها آنچنان در بحرانهای درونی و جناحی خود

درگیر هستند که می بایستی فرصتی برای این گزارشات و تحریکات نداشته باشند.

این سیاست و تحریکات و دیدگاه های قدرتمداران جمهوری اسلامی را از دو زاویه بایستی مورد توجه قرار داد، اول اینکه: مردم و روشنفکران مناطق ملی، که خواستها و آمال و آرزوهای آنان سرکوب شده بود، همراه با جنبش اجتماعی مردم سراسر ایران در پیروزی دوم خردادیهای امروز نقش فعال و گسترده ای داشتند. در ترکمن ضحرا اکثریت قریب به اتفاق مردم به خاتمی رأی دادند برخی جهت نفی راستگرایان تمامیت خواه که وجود ملیت های مختلف را قبول نداشته و صحبت از "امت اسلامی" می کنند و برخی نیز بدین خاطر که در سخنان و وعده های رئیس جمهور و در جامعه مدنی مورد نظرش حداقل برابر حقوقی و احیاء فرهنگ ملی خود را ممکن می یافتند. اما اکنون بعد از گذشت سه و نیم سال از ریاست جمهوری آقای خاتمی می بینند که هیچگونه اقدامی از جانب حکومت در این راستا صورت نپذیرفته است و بهترین سیاست آنها در حال حاضر سکوت میباشد.

در این روند به تدریج روشنفکران مناطق ملی به این نتیجه رسیدند که از جانب نیروهای حکومتی دوم خردادی اقدامی عملی در جهت احقاق حقوق آنها صورت نخواهد گرفت. پس میبایستی که بر اساس

سیاستی مستقل در جهت بدست آوردن حقوق خود تلاش کرد. البته میزان این تلاشها و سیاستهای مستقل از جناحهای حکومتی در مناطق مختلف یکسان نیست. این تلاشها و فعالیتهای در برخی مناطق مانند آذربایجان بیشتر و در منطقه ما، ترکمن صحرا، در درجه کمتری عمل می کنند. البته این درجه شدت و حدت به بسیاری از پارامترهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی بستگی دارد. اما این تفکر اساسا بدین نتیجه رسیده که "خود بایستی کاری کرد". این سیاستها کم و بیش در نشریات مناطق ملی که بعد از دوم خرداد با تلاشها و فداکاریهای نیروهای فعال این مناطق براه انداخته شد دیده میشود. نامه هفتاد تن از شخصیتهای علمی و فرهنگی آذربایجان خطاب به رئیس جمهور نقطه عطفی در راستای این سیاست است. رسیدن به این "سیاست مستقل عمل کردن" یک بعد قضیه است.

دوم اینکه: راستگرایان در خرداد ۷۶ و انتخابات مجلس ۷۸ شکست خوردند و برآستی نیز شکست در انتخابات در اردوگاه آنان هرج و مرج و بی نظمی را سبب گشت. تزلزل و ناپیکیری آقای خاتمی در پیشبرد اصلاحات اعلام شده اش فرصت را به آنها داد که بتدریج به ارزیابی و

بقیه در صفحه بعد

ادامه از صفحه قبل

چه کسانی ...

بازبینی نیروهای خود و طرف مقابل پرداخته و کام به کام به پیش آمدند. آنها اکنون نه تنها عقب نشینی های خود را جبران کردند بلکه در موضع قدرت نیز قرار گرفته اند. راست گرایان اکنون خود را به تنهایی در موضع تعیین سیاست برای تمام ایران و قیم تمامی مردم ایران می دانند.

اکنون نیروهای تمامیت خواه دوم خرداینها را لت و پار کرده و به حساب خود تکلیف آنها را معلوم کرده اند. آنها بر تمامی دستگاهها و ابزار قدرت، چه در عرصه سیاسی و چه اقتصادی، کنترل دارند. آنها هنوز لقمه اول را بدرستی قورت نداده به سوی لقمه بعدی هجوم می آورند. این نشان از حرص و ولع آنان دارد. قدرتمداران فکر می کنند که با این کشتارها و یا قلع و قمع روشنفکران و روزنامه نگاران تیشه به ریشه جنبش اجتماعی اصلاح طلبی مردم ایران زده اند، غافل از اینکه این جنبش در معیار بسیار گسترده و در سطح تمامی مردم ایران جریان دارد و هیچ نیرویی قادر به مهار و نابودی آن نخواهد بود. ولی آنان قادر به دیدن این میدان و معیار گسترده نیستند. این بر قاموس آنها نمی گنجد. بدین خاطر نیز ایران را به تنهایی در مالکیت خود می دانند و وجود مسائل ملی و فرهنگی در گوشه و کنار ایران برای آنها معنی ندارد. پس می بایستی که این اقدامات و تلاشهای ملی و فرهنگی که به نظر آنان "خواب شومی

برای تمامیت ارضی ایران" است خنثی کردند. و در این راستا است که در این گزارش نوشته میشود "اکنون پرسش این است که سازمانهای مسؤل در زمینه حفظ امنیت و تمامیت ارضی ایران، برای خنثی سازی این تحریکات چه کرده اند؟". یعنی اینکه زمان سکوت و عدم مقابله دوم خردادیها در مقابل طرح خواستهای ملی و فرهنگی سپری شده است و بایستی که این حداقل نیز خفه گردد.

با توجه به این وضعیت می بایستی که بعد از قدرت یابی کامل راست گرایان، تعطیلی روزنامه ها و زندانی کردن فعالین آنها و در یک کلام بعد از شکست دوم خردادیهای حکومتی منتظر عملیات راستگرایان در مناطق ملی بود. آنها به سمت نشریات محلی نیز هجوم خواهند آورد. از آنجایی که این نشریات محلی دعوی قدرت حکومتی نداشتند و عمدتاً مسائل ملی و فرهنگی منطقه خود را مطرح می کنند تاکنون از این یورشها مصون مانده اند.

صحبت از بحران نیمه پنهان در شمال استان گلستان، که منظورشان همان ترکمن صحرا است، میگردد. اگله ترکمن مانند بسم الله در مقابل جن است. چندی پیش نیز یکی از روزنامه های سلطنت طلب نوشته بود که در ایران همه اقوام به غیر از قومی که در شمال استان گلستان زندگی می کنند، ایرانی هستند.

آیا انتشار یکی دو نشریه یا برگزاری برخی مراسم فرهنگی مانند بزرگداشت مختومقلی ایجاد بحران است یا آن تلاش حکومت مرکزی برای نابودی فرهنگی ترکمن ها؟

آیا خواست های ملی و فرهنگی در مناطق ملی امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران را بخطر می اندازد؟

حداقل در ترکمن صحرا روشنفکران و فعالین ترکمن حقوق ملی و فرهنگی خود را در چارچوب ایران مطرح می کنند. صحبتی به غیر از این نبوده است. وضعیت در دیگر مناطق، تا آنجایی که اطلاع داریم، بطور عمده در این چارچوب است.

هیچکدام از ملیتهای تحت ستم در ایران اجاره نشین محل زندگی خود نیستند. هرکدام از آنها سرزمین خود را دوست دارند. آن را متعلق به خودشان دانسته و جزئی از ایران می دانند که همگی باهم سرزمین ایران را بنیان می نهند. ایران مجموعه ای از تمام مردم ایران با سرزمین های خود است. سرزمین ایران متعلق به هیچ ملیت و یا گروه خاصی نیست، متعلق به همه است ولی بایستی که همه نیز با هم و برابر حقوق با هم زیست کنند.

ترکمن ها حداقل به این نتیجه رسیده اند که با جنگ و خونریزی و با باروت نمیتوان اینگونه مسائل را حل کرد بلکه در عصر بیست و یکم شایسته انسانهای متمدن است که در فضای گفتگوی سالم و سازنده و منتقد مسائل و مشکلات جامع حل و فصل گردد.

همسویی حکومت با خواستهای مردم پایه استواری و تداوم دموکراتیک آن است نه مقابله و سرکوب. این سیاست که در نشریه "گزارش" بیان شده در حقیقت تلاش برای

مساله ملی، دمکراسی، رد یا پذیرش

پیوند مساله ملی و

دمکراسی

دفاع از حل مساله ملی نه تنها امروزه بلکه در دوره های حساس و سرنوشت ساز یکصد ساله اخیر ایران یکی از معیارهای تشخیص دمکراسی بوده است. هرگاه برآمدهای توده ای اوج گرفته و اقتدار حکومت مرکزی تضعیف گشته و نیروهای سیاسی وقت زمینه فعالیت گسترده یافته اند مساله ملی به شکلی از اشکال خود را نشان داده است. این پیوند نه ناشی از تصادفات و یا برخاسته از اراده این و یا آن جریان سیاسی و نه نقشه و توطئه اجانب و بیگانگان بوده است. این امر دقیقا به علت وجود ملت های گوناگون در ایران است. ملی که اکنون در شرایط کاملا نابرابر و غیردمکراتیک بسر می برند. ملی که از حق یادگیری و آموزش به زبان مادری خود محروم هستند. ملی گریبان ایرانی، چپ های لیبرال وطنی، جمهوری خواهان رنگارنگ و بسیاری دیگر از مدعیان دمکراسی نسبت به این حق کثی چگونه برخورد می کنند؟ آیا تاکنون جز سکوت شاهد عمل و موضعگیری دیگری بوده ایم؟ آنان در رابطه با هر موضوع کم اهمیت دیگر قلمفرسایی می کنند، موضعگیری می نمایند، سخنوری، سخنرانی بقیه در صفحه بعد

و بیگانگان نبوده و نیست. آنان بخشهایی از نژاد پاک آریایی اند و لاغیر. طرح ایران چند ملیتی از سوی اجانب زده می شود تا کشور و ملت کهنسال و پاک کهر ایران را متلاشی و تجزیه نمایند. چیزی به نام ایران چند ملیتی ساخته و پرداخته بیگانگان و دشمنان استقلال ایران است و بس.

پاسخ دوم برخلاف اولی مثبت و بر این باور است که ایران اساسا کشوری است چند ملیتی که در آن ملیتهای آذربایجانی، بلوچ، ترکمن، عرب، فارس و کرد و چندین ملیت و قوم کوچک دیگر بسر می برند. این ملل هر یک دارای تاریخ خاص خود هستند و در چارچوب سرزمینی معین در قلمرو ایران زندگی کرده و می کنند. هر یک از این ملل دارای زبان خاص خود بوده و همچنین دارای آداب و رسوم و مذهب معین و ویژگی های فرهنگی خود می باشند. این ملل طی سالیان متمادی در قلمرو ایران گاه در ستیز ولی غالبا در مسالمت درکنار هم زیسته اند.

آنچه که از همه مهمتر است این که این ملل علیرغم تفاوت های فرهنگی، تاریخی، زبانی و غیره در کنار هم در چارچوب سرزمینی به نام ایران و تحت شرایط معینی بسر می برند. مهمترین ویژگی این شرایط به اسارت کشیده شدن این ملل (به جز ملت فارس) است.

آیا ایران کشوری است چندملیتی؟ پاسخ به این پرسش ناخودآگاه پایه موضع نسبت به مساله ملی را نمایان می سازد. ناگفته نماند که این پاسخ تنها بخشی از پایه فکر طرف را بیان می کند و نه تمامی آنرا.

تا به امروز ما شاهد دو پاسخ متضاد به این پرسش بوده ایم. یکی پاسخ منفی مبتنی بر این باور که ایران نه تنها کشوری چند ملیتی نیست بلکه تشکیل شده است از ملت باستانی ایران و ایرانیان "پاک نژاد" و "درکهر" از "نژاد اعلای آریایی". مبنای اندیشه این تیپ از پاسخگویان بدین گونه است که ایران در طول تاریخ چند هزارساله خود "زادگاه فرهنگ"، "مهد تمدن" و "گهواره دانش" بوده و ایرانیان "پاک کهر" در سایه "اهورا مزدا" و "مهر ایزدی" به زایش مهر و مهرورزی در "مهد تمدن" مشغول بوده اند. ایرانیان به ناگاه از طرف اقوام و قبایل بدوی و وحشی نظیر یونانی ها، "عرب های بیابان گرد"، "ترک های بربر"، "مغول های وحشی" و ... مورد تهاجم قرار گرفته و در اثر این تهاجمات پاکی "نژاد پاک آریایی" دچار خدشه گشته و ناخالصی هایی به خود گرفته است. این ناخالصی ها همانا آذربایجانی ها، بلوچ ها، ترکمن ها، عرب ها، کردها و ... هستند. ویژگی های قومی و فرهنگی این اقوام ایرانی چیزی جز پیامد تهاجمات و چیرگی اجانب

ادامه از صفحه قبل

مساله ملی، دموکراسی ...

و مصاحبه ها می کنند اما در مورد ستمی که بر حداقل نیمی از جمعیت (شهروندان) ایران می رود در سخاوتمندانه ترین حالت، مهر سکوت بر لب می گذارند. چرا؟ بسیاری از سلطنت طلبان دیکتاتور منش دیروزی که بعد از سقوط نظام شاهی به پذیرش دموکراسی روی آورده و ادعای دمکرات بودن را می نمایند به همراه بخش عظیمی از طیف رنگارنگ جریان های سیاسی به اصطلاح اپوزیسیون جمهوری اسلامی، "ملی گرایی" را فقط و فقط برای خود می خواهند و بس. چرا؟

در شرایط جامعه ایران دموکراسی و مساله ملی رابطه متقابل و تنگاتنگی با یکدیگر دارند. در جامعه ای نظیر ایران نمیتوان ادعای دمکرات بودن کرد و از طرح مساله ملی پرهیز کرد. میزان پیگیری هر دمکراتی در جامعه ایران به میزان عمق و پیگیری راه حل او نسبت به مساله ملی دارد. به عبارت مشخص تر یکی از معیارهای دمکرات بودن در جامعه ایران پذیرش حق تعیین سرنوشت تا حد جدایی است. اما همه می دانیم که این مدعیان دموکراسی با این امر نه تنها موافق نیستند بلکه با تمام نیرو برضد آن می جنگند. آنان درک صوری از دموکراسی دارند و در اجرای آن ناپیگیرند. اگر بپذیریم که آزادی بیان و عقیده یکی از شاخص های دموکراسی است باید قبول کنیم که این آزادی نه برای من، بلکه برای مخالف من است. طرح نظر و ابراز عقیده

لافاصله دفاع از تمامیت ارضی را به میان می کشند. و عنوان می کنند که "ما با حل مساله ملی تا آنجا موافق هستیم که به تمامیت ارضی ایران خدشه ای وارد نشود." و یا اعلام می کنند که "ما با حق تعیین سرنوشت موافقیم به شرطی که در چارچوب ایران باقی بمانند و تمامیت کشور را حفظ کنند." از این گروه ها باید پرسید که اگر در ایران شرایطی فراهم آید (بدون جمهوری اسلامی و یا با جمهوری اسلامی) و یکی از خلق های تشکیل دهنده ایران مثلا خلق کرد خواهان حق تعیین سرنوشت خود در شکل جدایی و ایجاد کشوری مستقل خود گردد، سیاست و مکانیزم عمل مدعیان دموکراسی چه خواهد بود؟ شرایط را هم طوری فرض نمایید که صحبت از نصیحت و اینکه "به نظر ما مصلحت و نفع شما در این است که در چارچوب ایران بمانید و لا غیر" گذشته و مساله این است که یا باید پذیرفت و به خواست آن ملت احترام گذاشت و یا اینکه به زور اسلحه و خشونت متوسل شد و بدین روش ملت کرد را در چارچوب ایران "حفظ" کرد. آیا راه دیگری نیز وجود دارد؟ به نظر ما راه دیگری وجود ندارد. اگر کسی معتقد به دموکراسی باشد باید که به جدایی ملل نیز احترام بگذارد و آنرا به رسمیت بشناسد. اما چنانچه در حرف دموکراسی را بپذیرد و صحبت از دموکراسی را برای مردم فریبی بزند، آنگاه سربزننگاه ماسک از چهره اش خواهد افتاد و سیمای کریه خشونت و سرکوب را به نمایش

مخالف به معنای پذیرش آن از سوی من نیست، ولی او طبق اصل دموکراسی حق بیان فکر و نظر خود را دارد. عین این منطق در مورد حق تعیین سرنوشت ملت های تحت ستم تا مرز جدایی نیز مصداق دارد. پذیرش این حق الزاما به معنای موافقت با جدایی نیست ولی در عین حال اگر ملتی از ملل چندگانه چنین خواستی را عنوان نماید باید به آن احترام گذاشت. متأسفانه بسیاری از مدعیان دموکراسی ایرانی نه تنها حق تعیین سرنوشت خلق های ایران را نمی پذیرند، بلکه آنرا با انگ و برچسب های کوناگون از جمله "تجزیه طلبی" رد می کنند. انگیزه ها و دلایل عمده مخالفان را می توان در چند مورد بر شمرد:

۱. انکار این واقعیت که ایران

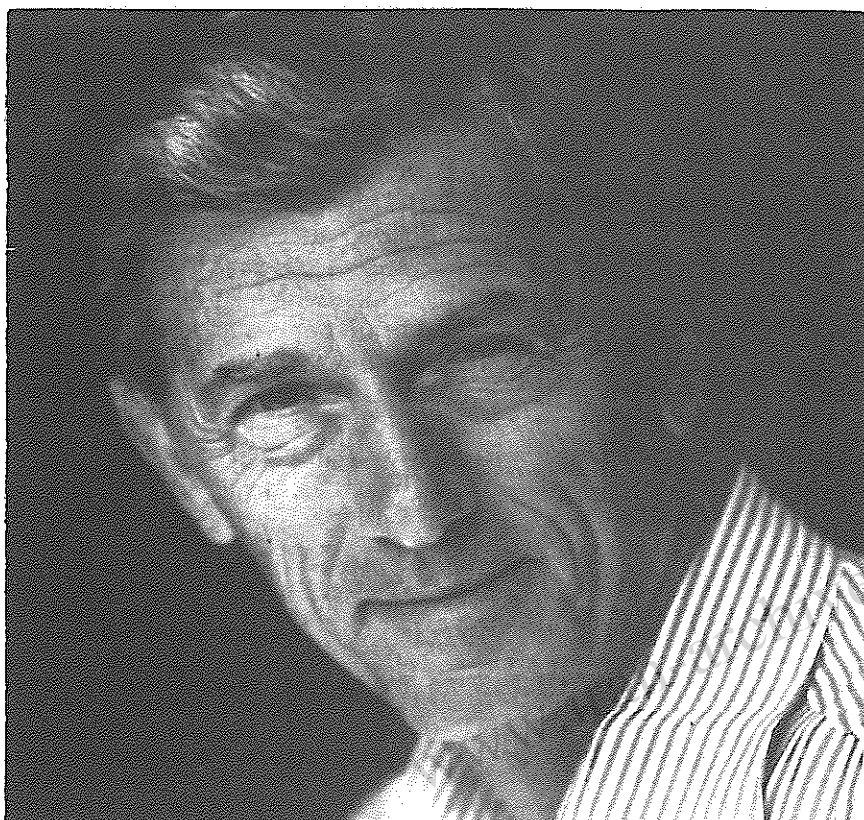
کشوری است چند ملیتی

مخالفان حق تعیین سرنوشت واقعیت چند ملیتی ایران را علنا و آشکارا نفی می کنند. ما در آغاز مطلب ویژگی های آنان را بر شمردیم. این دسته از مخالفان حق تعیین سرنوشت خلق های ایران را عمدتا شوونیست های فارس و ناسیونالیست های افراطی پان ایرانیست تشکیل می دهند که عمدتا آزمایش خود را در دوران حکومت پهلوی ها داده اند.

۲. دفاع از تمامیت ارضی

برخی از نیروهای سیاسی و ناسیونالیست های رقیق و غلیظ ایرانی تا مساله ملی و حق تعیین سرنوشت به میان می آید

بیگانه ای که بیگانه شد



در این نوشته سعی و تلاش بر آن است که گوشه ای از زندگینامه شاعر و نویسنده یونانی به دوستداران فرهنگ و ادب ارائه شود.

تنودور خالیفتیدز

(Thodor Kallifatides) در سال

۱۹۲۷ میلادی در شهر مولایی لاکونیار

(Molai Lakonias) یونان دیده به

جهان پر غوغای هستی گذاشت. سرنوشت

همه نیاکان او، از جمله پدرش که معلم و

مهاجر در کشور ترکیه بود نیز به نوعی

با پدیده مهاجرت گره خورده است.

تنودور در سه سالگی شاهد اشغال

روستای خویش از طرف قشون هیتلری

بود. پدرش که از فعالین سوسیالیستهای

آن زمان بود، دستگیر و روانه زندان می شود. پدر بزرگش نقش مهمی در خواندن و نوشتن او ایفا می نماید تا او را با ادبیات آشنا سازد. تنودور بیشتر دوران دبیرستان را با تناثر و سرودن شعر سپری می نماید. آثار داستانی و فسیکی تأثیرات عمیقی در رشد و بالندگی او باقی گذاشته و یکی از نویسندگان محبوب اوست.

وضعیت یونان که در تنش جنگ جهانی دوم و جنگ داخلی سوخته و با بیکاری موج عظیمی از مردم مواجه بود، باعث گردید که تنودور برای تحقق رویاهای خود خیمه گاهی امن را جویند. از این رو در سال ۱۹۶۴ میلادی موطن خویش را ترک کرد و در سوئد صفحه جدیدی از زندگی خویش را آغاز می کند. زندگی در کشور بیگانه برای او آسان نبود. او با مشکلات عظیمی روبرو بود. اولین مانع صعب

العبور او فراگرفتن زبان سوئدی بود، که روزنه ای است برای دستیابی به فرهنگ آن ملت. او این مانع را با تمام دشواریها با کامیابی طی کرد. او برای اداره زندگی روزمره و مشکلات ناشی از محیط زیست جدید جز اراده استوار چیزی در چنته نداشت و چرخ زندگی را از جمله با ظرفشویی در رستورانها و نامه رسانی و ... به حرکت در آورد.

عشق و علاقه لایزال او به ادبیات سوئد باعث گردید تا زورق شکسته خویش را در دریای متلاطم زندگی به ساحل رساند و مراحل رشد و موفقیت را یکی پس از دیگری در آغوش گیرد، بطوریکه او اکنون یکی از اعضای شورای مرکزی رادیو و تلویزیون دولتی سوئد می باشد. تنودور اندکی بعد بقیه در صفحه بعد

ادامه از صفحه قبل

بیگانه ای که ...

وارد دانشگاه استکهلم در رشته فلسفه شده و با موفقیت تحصیلات دانشگاهی خویش را به اتمام رساند و اواخر ماه آگوست ۲۰۰۰ میلادی از طرف دولت سوئد مفتخر به دریافت عنوان پروفیسور افتخاری در رشته ادبیات گردید. اولین اثر او دیوان شعری بنام خاطرات تبعید (**Minnet I exil**) (۱۹۶۹) به عاشقان فرهنگ و ادب تقدیم گردید. اندکی بعد رمان بیگانه (**utlanningar**) (۱۹۷۰) منتشر گردید که سرگذشت یک مهاجر یونانی در سالهای دهه ۱۹۶۰ در سوئد است. این رمان اندکی بعد به صورت فیلمی بنام اسم من استیلیوس به پرده سینما در آمد. تنودور خالق آثاری چون ارباب و رعیت (**Bonder och herrar**) (۱۹۷۲)، صلح خشن (**Den grymma freden**) (۱۹۷۷) میباشد. این رمانها حکایت ساکنان روستای یالوس است که قشون هیتلری در زمان جنگ جهانی دوم این روستا را به اشغال خویش در می آورند و زندگی آرام روستا چهره دیگری به خود می گیرد. گروهی از روستائیان همنا با قشون هیتلری و عده ای به مقاومت و پیکار بر می خیزند. بعد از جنگ جهانی دوم نا آرامیها بر شتاب خود می افزاید و درگیریهای داخلی بین فاشیستها و کمونیستها سایه بر کشور می افکند و بطوریکه یونان نه تنها به کشور فقیر بلکه به کشوری نفرین شده مبدل می گردد.

تنودور در سال ۱۹۷۸ میلادی رمان عشق (**Karleken**) را پس از ۱۴ سال زندگی در سوئد منتشر می کند. محور اصلی آن عشق، ناامیدی، دلتنگی و تنهایی است. مشروب و گلهای سرخ (**Brannvin och rosor**) (۱۹۸۲) داستان یک مهاجر یونانی که در سوئد ازدواج می کند و برای فرزندان خویش از زندگی در موطن جدید صحبت می کند و در این

گفتگو نکات مشترک و اختلافات دو کشور در ذهن قهرمان داستان جلوه گر می شود. او در سال ۱۹۹۵ میلادی رمان آخرین روشنایی (**Det sista ljuset**) (یکی از شاهکارهای اوست. تاکید از نگارنده)، را به مرحله چاپ میرساند. موضوع اصلی این رمان یک خانواده یونانی است که برای کار و زندگی بهتر به سوئد مهاجرت می کنند و بعد از کودتای نظامی در یونان موج عظیمی از مخالفین حکومت نظامی روانه سوئد می شوند. خانواده مذکور که گرایشات آزادیخواهانه داشته و از سوی دیگر آشنایی دیرینه آنها با بسیاری از مهاجرین مخالف رژیم نظامی باعث ایجاد ارتباط تنگاتنگ با آنان می شود. این رمان شیوه فعالیت مهاجرین علیه حکومت نظامی، روابط خانواده های آنان و بحث و گفتگو درباره ایده و آرزوهای خویش و آغاز فرو ریختن اندیشه های فولادین دیروز و تکاپو برای دست یافتن به تفکرات نو را ترسیم می نماید. بعد از مدتی تنها فرزند خانواده فوق دست به خودکشی می زند و شیرازه زندگی آنان از هم می پاشد. مادر به موطن اصلی خویش یونان بر میگردد و پدر بعد از ۲۰ سال زندگی در سوئد تکی و تنها به حیات خویش ادامه می دهد و در تنهایی با تفکراتی چون هویت و من کی هستم؟ آیا یونانی یا سوئدی؟ دست و پنجه نرم می کند.

از آثار دیگر تنودور آخرین گل رز (**Det sista rosen**) (۱۹۹۶)، هفت ساعت در بهشت (**De sju timmar i paradiset**) (۱۹۹۷)، نوای یک زن (**For en kvinnas rost**) (۱۹۹۹) و یک جنایت ساده (**En enkelt brott**) (۲۰۰۰) و ... را میتوان نام برد. آثار تنودور به زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی و یونانی ترجمه شده است.

ارکین : دسامبر ۲۰۰۰

خاتمی و پان ایرانیسم

آقای چنگیز پهلوان، شوونیست و پان فارسیست زمان حاضر در صحبتی با عنوان "ملیت، مذهب و آینده تمدن ایرانی" با "ایران فردا" شماره ۲، صفحه ۲۰، میگوید: "وقتی شما میخواهید به بازشناسی گروه ها و طبقات اجتماعی در این حوزه (حوزه تمدن ایرانی) پردازید، باید ببینید که آنها چه نقشی در ترویج و اشاعه زبان فارسی در این حوزه تمدنی دارند."

آیا میتوان در این دیدگاه يك ذره از علم جامعه شناسی و تاریخ و یا منطق را مشاهده کرد؟ وقتی که معیار قضاوت درباره تمدن چندین هزارساله فقط زبان یکی از ملیت های ساکن ایران، زبان فارسی، قرار میگیرد از آن دیدگاه چیزی بیش از يك نظر پان فارسیستی دو آتشه که تمام مسائل اجتماعی - سیاسی و فرهنگی جامعه را از زاویه تنگ شوونیسم می نگرد حاصل نمیگردد. این برخورد از امثال آقای چنگیز پهلوان که در اینگونه دیدگاه ها مشهور عام و خاص است حرفی نیست. ولی صحبت آنجاست که آقای خاتمی، رئیس جمهور، که اولاً بنا به موقعیت سیاسی اش بایستی نماینده تمام مردم ایران باشد، ثانیاً اینکه شعار جامعه مدنی، گسترش

فرهنگها و گفتگوی تمدنها و فرهنگها را ارائه می دهد و جبهه دوم خرداد وی شعا "ایران برای همه ایرانیان" را سر میدهد، مبلغ این موضع ارتجاعی میگردد. آقای خاتمی در مراسم بزرگداشت پیشگامان و استادان فرهنگستانهای ایران میگوید: "فرهنگ فارسی رمز وحدت و هویت تاریخی ایرانیان است. ایران بیش از هر چیز از راه زبان و ادبیات خود مرزها و قلب ها را فتح کرده است. فرهنگ فارسی ... رمز ماندگاری و وحدت ایران در طول تاریخ است."

وقتی که مجله "آینده" که از طرف محمود افشار و "انجمن جوان ایران" که برنامه ریز رضاشاه در جهت پیشبرد سیاستهای شوونیستی بودند می نویسد: "منظور ما از کامل کردن وحدت ملی ایران این است که در تمام مملکت زبان فارسی عمومیت یابد." چه فرقی با گفته های آقای خاتمی دارد که میگوید: "فرهنگ فارسی رمز وحدت و هویت تاریخی ایرانیان است."

اگر منظور آقای خاتمی از فرهنگ فارسی همان فرهنگ ملت فارس باشد که علاوه بر زبان فارسی خصوصیات اخلاقی اجتماعی و فرهنگی آنها را نیز شامل میشود پس قضیه بدتر از پان فارسیست های کلاسیک خواهد بود.

آقای خاتمی که گفته میشود شخصی اهل مطالعه و دانشمند است آیا اطلاعی از تاریخ گذشته ایران ندارد که میگوید فرهنگ فارسی رمز وحدت در طول تاریخ بوده است؟ آیا وی نمیداند که فرهنگ فارسی و زبان فارسی مورد نظر وی چند سال سابقه در مقایسه با تاریخ طولانی سرزمینی بنام ایران دارد؟ آیا وی نمیداند که هر دوره ای از تاریخ ایران دارای حاکمیتی خاص با ویژگیهای خاص خود بوده است که با معیارهای فرهنگی يك قوم امروزی قابل داوری نیست؟ آیا در مدت بیش از هزار سال که ترکها در ایران حاکمیت را داشتند زبان فارسی رمز وحدت ایرانیان بود؟ زادگاه زبان فارسی همان دربار پادشاهان ترك بود که زبان شعر و ادب آنها بود. زبان فارسی مگر چندصد سال بعنوان زبان مردم بود که رمز وحدت ایران در طول تاریخ باشد؟ آقای خاتمی در این مراسم "فرهنگستانهای ایران" که در اصل فقط فرهنگستان فارس است سخنان ضد منافع ملی همه ایرانیان را مورد تأیید و تأکید قرار داد.

ادامه از صفحه قبل

خاتمی و ...

آیا آقای خاتمی میدانند که این ملل کوناگون ساکن ایران با فرهنگ و زبان و ادبیات خود و تاثیر متقابل بر همدیگر ایران را در طول تاریخ بنیان نهاده و برای ماندگاری آن در سه عرصه ها رزمیده اند؟ آیا بر وی لازم نیست که

بعنوان رئیس جمهور این کشور بر هنرستی مسالمت نیز آنها در جامعه مدنی مورد نظرش تاکید کند و نه اینکه فقط یک فرهنگ و یک زبان را ایرانی بداند و بقیه را هیچ؟

این سخنان آقای خاتمی در حالی است که وی در مقابل خواستهای فرهنگی ملیتهای غیرفارس که برخاسته است، طی نامه ها و بیانیه هایی، خطاب به وی بوده است هیچگونه عکس العملی نشان نداده

است. وی تاکنون در اجرای اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی که از جانب ملیتها و نمایندگان آنها در مجلس شورای اسلامی خواسته شده اقدام عملی مشخصی انجام نداده است.

آیا آقای خاتمی با این ایده و با این سیاست به استقبال انتخابات آینده ریاست جمهوری خواهد رفت؟

منراد



سمینار بررسی وجود ستم ملی در ایران

ادامه از صفحه ۱۲

مساله ملی ، دمکراسی ...

خواهد گذاشت.

۳. فروپاشی سوسیالیسم

پیامد فروپاشی "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" و در پی آن یوگسلاوی بر بسیاری از گروه ها و جریانات سیاسی ایرانی در رابطه با مساله ملی در ایران منفی بود. بسیاری از این گروه ها تا قبل از فروپاشی سوسیالیسم از حل مساله ملی در ایران و تضمین حق تعیین سرنوشت خلق های ایران دفاع می کردند. اما به دنبال تجربه شوروی و شکل گیری دولت ها و کشورهای مستقل به هراس افتاده و تابوی "دفاع از تمامیت ارضی" را در مقابل حق تعیین سرنوشت قرار داده اند.

اینان از يك سو به دمکراسی بعنوان حیاتی ترین نیاز و خواست جامعه ایران تاکید می کنند ولی از سوی دیگر به یکی از بارزترین شاخص های دمکراسی یعنی حق تعیین سرنوشت خلق های تحت ستم با این استدلال که پذیرش حق تعیین سرنوشت زمینه جدایی را تقویت می کند، دهن کجی می نمایند.

اراز گلدی

در ایران را به بیگانگان و توطئه های عوامل آنان نسبت می داد. عده ای نیز معتقد بودند که ابتدا همه با هم برای دمکراسی در ایران باید مبارزه کنند و بعد از استقرار دمکراسی در ایران میتوان روی اینگونه مسائل بحث کرد. اینان طرح مسئله ملی در شرایط کنونی را اشتباه می دانند. موضع بخشی از طرفداران جبهه ملی ایران علیرغم اینکه آنها خود را مدافع دمکراسی و آزادیهای سیاسی و حقوق انسانی میدانند، موضعی پاسیو و منفی در رابطه با مسئله ملی و حقوق خلقهای تحت ستم ایران بود. شایان ذکر است که کلیه نظرات و دیدگاه های گروه ها و شخصیت های گوناگون ایرانی از طریق رسانه ها و رادیو های محلی ایرانی بویژه رادیو پیک کوتنبرگ پخش گردید. برگزاری این سمینار یکبار دیگر نشان داد که مسئله ملی در ایران، علیرغم موافقت و یا مخالفت با آن، بطوری آشکارا وجود دارد. برگزاری این گونه سمینارها و میزگردها و بطور کلی سازمان دادن تبادل نظر و افکار درباره این موضوع، زمینه پرداختن و دستیابی به برخی نتایج را فراهم میسازد. بالطبع این گونه اقدامات، پتانسیال تحمل دگراندیشی را در میان روشنفکران ایرانی بالا خواهد برد.

درماه اکتبر سال گذشته میلادی سمیناری با عنوان بررسی وجود ستم ملی به ابتکار کمیته همبستگی با ملل تحت ستم ملی در ایران در شهر کوتنبرگ سوند برگزار گردید. در این سمینار نمایندگان احزاب و سازمانهای مختلف سیاسی و فرهنگی و همچنین افراد و شخصیت های منفرد ایرانی از ملیت های گوناگون شرکت جستند.

در این سمینار هر يك از نمایندگان ابتدا به بیان نظرات خود و یا تشکیلات مربوطه خود پرداختند و بعد از پایان سخنرانی به پرسشهای حاضرین پاسخ گفتند.

این ابتکار در کلیت خود گامی مثبت در طرح مسائل ملت های تحت ستم در ایران بود. طبق اطلاعیه کمیته همبستگی با ملل تحت ستم در ایران، "جلسه در جوی بسیار دوستانه و درک اهمیت پلورالیسم فرهنگی . سیاسی" برگزار گردید.

بعد از برگزاری این سمینار اکثر محافل و نیروهای سیاسی خارج از کشوری بویژه محافل در شهر کوتنبرگ مجبور به موضع گیری شدند. واکنش های متضادی بین نیروهای سیاسی ایرانی بچشم میخورد، یکی به واقعیت انکارناپذیر ملل تحت ستم ایران صحنه میکذاشت و از حق و حقوق آنان دفاع می کرد و دیگری طرح مسئله ملی

همگامی و همکاری نیروهای ملیت های تحت ستم

شرط اساسی پیروزی بر شوونیسم

که اشاره شد روند در این جهت بود. انجمن های ایالتی و ولایتی می توانستند منافع ملی - منطقه ای را با توجه به منافع عموم کشور بدرستی پیش ببرند. زبانی بعنوان زبان رسمی کشور قانونیت پیدا نکرد. تنوع فرهنگی و زبانی کشور در کلی ترین وجوه آن در نظر گرفته شده بود.

اما با به حکومت رسیدن رضاخان پهلوی و سیاست های شوونیستی که رژیم وی در پیش گرفت روند تشکیل "دولت - ملت" متوقف و روند "ملت - دولت" در پیش گرفته شد. بسیاری از روشنفکران فارس و یا خدمتگزاران مشابه معتقدند که رژیم رضاشاه همراه با رشد سرمایه داری در ایران روند تشکیل "ملت" را تسریع بخشید و "دولت نوین" را ایجاد کرد. اما واقعیت های جامعه و تعریف های اجتماعی از این مفهوم عکس آن را ثابت می کنند. برای "ملت نوین" رضاخانی از آرشيوخانه های جعلی "ملت کهنسال"، "ملت اهورایی" با "نژاد آریایی" که از هزاران سال قبل این "ملت" وجود

متشکل از اقوام و ملل گوناگونی با فرهنگ و زبان و خصوصیات ویژه خود بودند، سازمان دهد.

تفاوت های فرهنگی در ایران نمی توانست مانع تشکیل "شهروندهای" ملت نوین باشد، بلکه برعکس همراهی این تفاوتها با برخی پدیده های شهروندی که جنبه همبستگی و پیوند دارند، مانند یکانگی سیاسی اجتماعی و ملی تشکیل دهنده عرصه های يك جامعه مدرن می توانند باشند. اصولاً بنیاد ملت جدید می توانست فقط بر اساس دمکراسی بنیاد نهاده شود و دمکراسی نیز در این عرصه به مفهوم پلورالیسم و شناسایی و قبول وجود نیروهای اجتماعی با منافع متفاوت در جامعه است. همانطور که در کشورهای غربی با ملیتهای گوناگون و حتی با يك ملیت نیز ساختارهای تمایزی، در نظر گرفتن منافع ملی و یا منطقه ای، همراه با همبستگی های اجتماعی سیاسی و منافع ملی از مختصات جامعه مدرن است. آموزش با زبان مادری، رعایت حقوق فرهنگی و ملی هر ملیت و قوم از دستاوردهای مستقیم این سیستم اجتماعی می باشد.

در ایران، در عصر مشروطیت، همانطور

روند شکل گیری "ملت" در ایران به مفهوم امروزی آن همراه با آغاز مشروطیت بوده است. بر اساس تفکر نوین سیاسی متعلق به عصر روشنگری در اروپا در قرون ۱۷ - ۱۸ میلادی، دولتهای ملی وظیفه داشتند که اتباع کشور خود را به شکل نوینی از هستی اجتماعی در پیوندهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سازمان دهند. همراه با رشد الزامات این پیوندها و گسترش نقش مردم در مشارکت و تصمیم گیری در اداره امور سیاسی و اجتماعی کشور بنیاد "ملت" به مفهوم امروزی آن ایجاد شد. این روند همان اصطلاح "دولت - ملت" است که در مقابل پدیده ناسیونالیستی "ملت - دولت" قرار دارد.

در ایران در عصر مشروطیت، روشنفکران و آنچه که آنان بخشا در قانون اساسی مشروطیت آوردند نگاه در جهت پدیده "دولت - ملت" داشت. دولت ملی می بایستی که در جهت ایجاد شهروندانی آزاد، صاحب اختیار و خرد که در چارچوب دمکراسی و حکومت قانون از حقوق مساوی برخوردار بوده و تمایل به زندگی مشترك دارند را با توجه به مشخصات جامعه ایران، که

ادامه از صفحه قبل

همگامی و همکاری ...

داشته بیرون آورده شد. برای این "ملت کهنسال" "دولتی نوین" ایجاد شد که زبان فارسی زبان رسی و اجباری آن بود. دیگر "دولت نوین" و "ملت ایران" در چارچوب پدیده اجتماعی نوین "دولت - ملت" معنی و مفهومی نداشت. این تناقض بزرگ جامعه ایران به همراه رشد اجتماعی و اقتصادی آن تا پایان حکومت پهلوی ادامه داشت.

جامعه ایران جدا از جامعه جهانی نبود و نیست و می بایستی که به همراه جامعه جهانی تحول پذیرد. اما رژیم پهلوی مانع از این امر بود. اتفاقی نبود که در سال ۵۷ ملیتهای ساکن ایران بر علیه رژیم شاه بپاخواستند. حقوق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و در یک کلام حقوق شهروندی آنان بشدت در این "دولت نوین" و در جهت ایجاد و ابقاء "ملت ایران" که منظور همان ملت فارس بود، تحت سرکوب قرار گرفت. این وضعیت با رشد جامعه ایران در تناقض کامل بود. این تناقض می بایستی که حل میشد. بدین خاطر بود که ملیتهای غیرفارس ساکن ایران ("اکثریت ملی" هستند ولی بناحق "اقلیتهای ملی" نامیده میشوند) بعد از انقلاب بهمن ۵۷ نیز بر خواستههای فرهنگی و اجتماعی خود که مستلزم پیشرفت جامعه، مستلزم ایجاد جامعه مدنی و مستلزم دموکراسی در

ایران بود پافشاری نمودند. هیچکدام از آنها خواست جدایی از ایران را مطرح ننمودند، بلکه ایجاد جامعه ای که در آن همه دارای حقوق شهروندی در عرصه های خصوصی و سیاسی باشند، را خواستار بودند.

اما این تلاشها از جانبی با ادامه سیاستهای پهلوی توسط رژیم جمهوری اسلامی در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و عدم تجربه خود جنبش های ملی، نقش گسترده نیروهای غیرملی، نیروهایی که غیر از آن ملیت بودند، بعنوان رهبران یا رهبری بخشی از این جنبش ها، نتوانست در مسیر درستی جریان یابد. متأسفانه این روند تخریبی جامعه ایران تاکنون دوام یافته است.

جامعه مدنی بدون حقوق شهروندی، بدون برابر حقوقی در عرصه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و بدون یک دموکراسی گسترده معنی و مفهومی ندارد. همانطور که گفته شد، متأسفانه اساس آنچه را که در ایران بنام حاکمیت و دولت در مفهوم و شکل بنیاد نهاده شده نه شهروندان آزاد، حکومت قانون و دموکراسی بلکه بر اساس "یک ملیت تاریخی و قدیمی فارس"؟! و بر اساس یک زبان "زبان فارسی" شکل گرفته است. بر اساس این تنوری، با برتر شمردن زبان و فرهنگ ملت فارس، زبان، فرهنگ، آداب و حقوق سیاسی بقیه ملیت ها

بشدت سرکوب و تلاش در جهت نابودی آنان بوده است. جامعه ایران نمیتواند از روند تمدنی گرایشی بشریت در قرن بیست و یکم به کنار بماند. با فراز و نشیب هایی مجبور به طی این روند سویلیزاسیون خواهد بود. ولی این روند خود به خودی نخواهد بود. ملیتهای غیرفارس که تاکنون حقوق فرهنگی و سیاسی آنها سرکوب شده، نقش بسیار مهمی در این روند خواهند داشت. اولاً از جانبی وضعیعت کنونی نهادینه شده و ثانیاً اینکه قریب به اتفاق نیروهای روشنفکر ملت حاکم نیز معتقدند که دولت رضاخان "دولت ملی" بوده و فقط حقوق سیاسی جامعه نادیده گرفته شده است. و دیگر نیز این نیروهای روشنفکر ملت حاکم بنا به سیستم آموزشی حاکم که بالطبع بر آموزشهای اجتماعی و فرهنگی آنان تأثیر گذار و نقش تعیین کننده بود، اطلاعی از وضعیت جامعه و حقوق فرهنگی و سیاسی ملت های غیرحاکم ندارند.

در تغییر و تحولات اجتماعی و سیاسی که در ایران می گذرد می بایستی که ملیت های غیرحاکم در جهت ایجاد دموکراسی و بدست آوردن حقوق شهروندی که سرآغاز حل و فصل مسائل ملی و فرهنگی جامعه چند ملیتی

بقیه در صفحه بعد

بدون تفسیر

آیت الله ابوالقاسم خزعلی عضو مجلس خبرگان در همایش سراسری مریدان بسیج فاش ساخت دعوت خمینی از مردم برای ریختن به خیابانها در بهمن ۵۷ پس از آن صورت گرفت که رابطی از طرف امام زمان با خمینی ارتباط برقرار کرد. وی مدعی شد فرد رابط هنوز زنده است و اخیراً در ملاقاتی که با او داشته پیام دیگری را از "آقا" در مورد به دست گرفتن حکومت به وی تسلیم کرده است.

آیت الله خزعلی گفت: در ابتدا آیت الله طالقانی به امام گوشزد کرد که در صورت اجرای این حکم ممکن است افراد زیادی کشته شوند. ولی امام در پاسخ اعلام کردند: "این حکم را من از پیش خود نگفتم بلکه از طریق ارتباط با فردی از ناحیه امام زمان به من رسیده است".

آیت الله خزعلی ادامه داد: فردی که این پیام را از جانب امام زمان به امام رسانده بود، اکنون زنده است و من در تماسی که اخیراً با این فرد داشته ام، پیام را از او گرفته ام.

عضو سابق فقهای شورای نگهبان افزود: این فرد به من گفت که "در ملاقاتی که با امام زمان داشته ام ایشان فرموده اند حکومتی که اکنون در دست روحانیان است به دست خودم خواهد افتاد".

به نقل از کیهان چاپ لندن شماره ۸۴۴

قرار گیرد. عاقلانه است که از طرح علنی و خصمانه در سطح جنبش درباره مسائلی که حاکمیت در جهت ایجاد اختلاف مابین ملیتها پدید آورده پرهیز نمود.

همگرایی و نزدیکی و تماسهای بیشتر و منظم میان سازمانها و نیروهای فعال و روشنفکر ملت‌های تحت ستم در ایران نقش بسیار ارزنده و مؤثری را در این روند خواهد داشت. نشستی که چندی قبل در سوئد توسط سازمانها و فعالین ملیت‌های تحت ستم ملی صورت پذیرفت می تواند نقطه آغازی حداقل در خارج از کشور باشد. لازم است که اینگونه نشستها بصورت گسترده و فعالتری پیگیری شود. این همکاریها و همگامیها و اتخاذ سیاست‌های مشترک که تأمین کننده منافع ملی هر کدام از آنها در چارچوب دموکراسی و منافع عموم ایران باشد میتواند آنچه را که متأسفانه در انقلاب بهمن ۵۷ تحقق نپذیرفت، در تحولات آتی ایران صورت عمل بخشد.

متراد



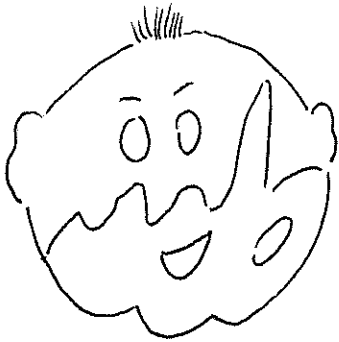
ادامه از صفحه قبل همگامی و همکاری ...

ایران خواهد بود تلاش نمایند. این تلاشها کم و بیش آغاز شده است. فعالیت‌های ترک‌های آذربایجان و کردها بطور گسترده و ترکمن‌ها، بلوچ‌ها و عرب‌ها نیز قابل توجه است. این ضرورت جامعه ما است. طبیعی است که این روند مورد موافقت و باب طبع میل نمایندگان سیاسی و فرهنگی ملت حاکم نخواهد بود و سعی در کارشکنی در روابط متقابل این ملیت‌ها خواهند نمود. نمونه بسیار مشخص آن نقل و انتقال و جابجایی رسمی و یا غیررسمی بخشی از ملیتی به محل زندگی ملیتی دیگر است و تبلیغ به نفع یکی و بر علیه دیگری است. برخی را خودی و برخی را خودی تر و برخی را فرزند ناخوانده میخوانند و از این طریق زمینه‌های اختلاف را ایجاد می نمایند. تاکنون این سیاست تفرقه افکنانه ظاهراً در برخی موارد موفق نیز بوده است.

بر نیروهای روشنفکر این ملت‌ها است که حساسیت اوضاع و این سیاست نفاق افکنانه را تشخیص داده و مانع از پیشرفت این سیاست مخرب گردند. موارد اختلاف می باید توسط نمایندگان سیاسی و فرهنگی ملیتها در فضایی دوستانه و سالم و در کمال آرامش و متانت و واقع بینی مورد حل و فصل

دکراسی یعنی برابری انسانها

دکراسی نیز مانند بسیاری از مقولات اجتماعی تعریف دقیق و فرمولبندی شده‌ای ندارد.



در بسیاری از نشریات، مقالات و سخنرانیهای ایران‌یان صحبت از دکراسی می‌گردد. اما اکثرًا توضیح نمیدهند که منظور آنها از دکراسی چیست.

June 2000 - ایل گون شماره ۱۴

تمرین دکراسی -

تایاق: دکراسی یعنی برابری انسانها

توقهاق: بایک نگاه کوتاه می‌توانیم نتیجه بگیریم که مادکراسی نداریم، یعنی در دکراسی زندگی نمی‌کنیم.

تایاق: ما کاری باید کنیم که دکراسی را بدست بیاوریم

توقهاق: دکراسی را نباید بدست بیاوریم، باید آنرا بوجود بیاوریم.

تایاق: راست می‌گویید، دکراسی که دست کسی باشد و ما هم سعی کنیم آنرا از دستش بگیریم، با اصل دکراسی منافات دارد.

توقهاق: سوال این است که چگونه باید آنرا بوجود آورد؟

تایاق: اصل تضاد در ماتریالیسم تاریخی را که باید اداری.

توقهاق: همان فرمول تزه-آنتی تزه-سنترالی گویی؟

تایاق: کاملاً درست است، طبق این اصل هر چیزی در درون خود ضد خود را

پرورش میدهد و از میان همین تضادات که انقلاب چیزهای -

تازه‌ای پدید می‌آید.

توقهاق: اینها که خیلی قدیمی شده اند بابا، از مد افتاده اند.

تایاق: فکری کنید! مگر مثلاً یک اصل علمی و تجربی شده از بین برود، باید داشته باش

که تجربه همحرف غلط نمی‌شود ...

توقهاق: خوب. حالا بگویند که کجای دکراسی منطبق با این اصل است؟

تایاق: برای بوجود آوردن دکراسی مانند پدید آمدن علمی، اجتماعی -

به پیش نیازهای اجتناب داریم، همانطوریکه برای هر نظریه علمی یک -
فرضیه لازم است.

توقفاقی؛ گوشم با شماست.
تایاق؛ طبق حکم اول (نر) ما چیزی را در نظریه گیریم تا چه بتوانیم
بطور دقیق و یکسان آنرا عمل نمائیم. و ما آنرا، مثلاً «عواذ فحش»
دادن در نظریه گیریم و آنرا در هر شکل ممکن (ادبی - غیر ادبی)
(حضوری - غیر حضوری) و یا مطبوعاتی، دیپلماتیک و غیره
یکسان تمرین می کنیم و بعد از موفقیت در این حکم، میرسیم به
حکم دوم (آنتی نر) که در واقع بر ضد حکم اول است،
و آن را مثلاً می توانیم «سکوت» را تمرین کنیم، که در واقع بر
ضد حکم اول مهم است. چنان آنرا تمرین می کنیم که اگر کسی به
ما فحش و ناسزا گفت، ما بتوانیم در حکم آنتی نر عمل نمائیم و یا
انگد ما سر ما زده و خیال دعا داشته ایم، طرف مقابل به صورت
آنتی نر عمل نماید.

نتیجه این تضاد، عین دگرگونی است (استتر)
ما در واقع بهم به طرف اجازه داده ایم که حرفش را بزند و بهم
حرفش را سکوت کرده و با احترام گوشش داده ایم. مگر نخل نظر مخالف
جزئی از مقولات دگرگونی نیست؟

توقفاقی؛ در حالیکه چشم چشمش را کوچک و کوچکتر میکرد و ابروان
چشم راستش با چند چین خوردگی عمیق بالا و بالا تر میرفت
با صدای خفای از میان دندانهای بهم سائیده گفت؛
زودتر می خواستی بگی نشو نیست خودمهور.

تایاق؛ سکوت
 بعد از چند لحظه سکوت، در حالیکه چشم راستش را کاملاً بست و
 ابروان چشم چپش را نیز کاملاً بالا زده بود، گفت؛
 قبلاً گفتم به ات ناسیونالیست کوتاه فکر!

توقماق؛ سکوت
 تایاق؛ دیدی که دگرایی چه نره ای داره، دیدی که نظر اتان را
 به هم گفتم، شنیدیم و محفل کردیم ولی دعوا و زد و خورد نکردیم
 مگر دگرایی غیر از این است، شاخ و دم که نداره.

توقماق؛ در حالیکه قرم رگهای ناچید گردش از این سکوت،
 بالا زده و ب صورت کابلی دراز از ناچید چپ گردن
 نمایان بود، گفت؛
 از این طریق همیشه، از بروز جنگ در عالم نیز جلوگیری
 کرد.

تایاق؛ ب... له، تنها راهش همین دگرایی است.

ایوب گزنی 20, 01, 2001

اخبار ترکمنصحرا و منطقه

وقوع طوفان در ترکمنصحرا

بنا به آخرین گزارش هائی که دریافت کردیم طوفانی به سرعت ۹۰ کیلومتر در ساعت در شهرها و روستاهای ترکمنصحرا خسارات فراوانی وارد کرده است. این طوفان در شب چهارشنبه بیست و دوم فوریه رخ داد و بنا به آمار و گزارش های رسمی جمهوری اسلامی ایران تاکنون یک کشته و بیش از صدها نفر زخمی بر جای گذاشته است. رئیس ستاد حوادث غیرمترقبه، آقای ابولقاسم صوفی در گرگان می گوید، بیشترین خسارت ها در نقاط شهری گرگان، علی آباد کتول، گنبد کاووس و مینودشت بوده است. کار بررسی خسارت ها از نقاط آسیب دیده تا وصول این خبر ادامه داشت. بنا به گزارش خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی پس از طوفان، بارش شدید باران آغاز شده و برآورد خسارت ها را مشکل ساخته است. بنا به گفته شاهدان عینی تیرهای چوبی برق در مسیر جاده ها از جمله جاده گرگان - آق قلا شکسته و برزمین افتاده است. در نتیجه این طوفان سقف پوشش بسیاری از خانه ها سقوط کرده ، شاخه های درختان شکسته و سیم های برق معابر شهری پاره شده است.

آق قلا شهرستان شد

سجانه حسینی به عنوان نخستین فرماندار شهرستان آق قلا در ترکمنصحرا (استان گلستان) رسماً معرفی شد. اکثریت مردم شهرستان آق قلا را ترکمن ها تشکیل می دهند. شهرستان آق قلا در هفته دولت امسال ایجاد شد و تا پیش از آن یکی از بخشهای تابعه شهرستان گرگان محسوب می شد. علیرغم وجود افراد متخصص ترکمن، سیاست دولت بر این است که از افراد غیر بومی که نه تنها به زبان ترکمنی تسلط ندارند، بلکه با فرهنگ ملت ترکمن نیز هیچ آشنائی ندارند، گمارده شوند.

برخی از جوی های فاضلاب

گنبد بهداشتی نیست

برخی از شهروندان گنبدی میگویند: جاری شدن فاضلاب منازل از سوی مردم به داخل جوی خیابان ها و کوچه های این شهر مشکلات بهداشتی برای مردم بوجود آورده است. این امر باعث شده تا برای اهالی این خیابان ها و نیز رهگذران مشکلاتی ایجاد شود. شهرداری گنبد درباره این مشکل شهر هیچ چاره ای نمی جوید.

کمبود امکانات ورزشی در

شهرستان کلاله

علیرغم استعداد فراوان در رشته های مختلف ورزشی در ترکمنصحرا، جوانان ورزشکار شهرستان کلاله در ترکمنصحرا از کمبود امکانات ورزشی در این منطقه گلایه مندند. آنان این کمبود ها را نبود سالن ورزشی مناسب و تجهیزات ورزشی عنوان کرده و خواستار مساعدت بیشتر مسئولان به این منطقه شدند.

کمبود دفاتر پستی در گنبد

کاووس

جمعی از مردم گنبد کاووس از کمبود دفاتر پستی در برخی از نقاط شهر انتقاد کرده و خواستار افزایش تعداد این دفاتر در نقاط مورد نیاز شدند. آنها می گویند: فقدان دفاتر پستی در اکثر نقاط شهر باعث شده تا مردم برای پست یک نامه سفارشی مسافت طولانی را تا اداره مرکزی پست طی کرده و صرف نظر از هزینه های حمل و نقل درون شهری، به علت شلوغی اداره پست زمان زیادی را در صف بایستند. خواست مردم این است که اداره پست در محلات و نقاط مختلف شهر باجه های پستی دایر کنند.

**قدیمی ترین آثار شناخته شده
در ترکمنصحرا کشف شد**

با اتمام عملیات کاوش و نجات بخشی در " آق تپه " کهن ترین آثار شناخته شده فلات مرکزی در محدوده دشت ترکمنصحرا کشف شد.

به نظر کارشناسان ، نخستین ساکنان این محل از سطح تپه ای طبیعی که در ۲۲۰۰ سال پیش کمتر از نیم هکتار وسعت داشت بعنوان محل سکونت استفاده کرده و دارای اقتصاد معیشتی کشاورزی و دامداری بوده اند.

همچنین شواهد به دست آمده از یکی دیگر از تپه های باستانی این منطقه موسوم به " دانگ آثار " نشان می دهد که برای نخستین بار گروهی از هزاره اول پیش از میلاد بر روی تپه ای طبیعی ساکن شده و آثاری از خود باقی گذاشتند که بعدها در ادوار مختلف گروه های گوناگونی در این محل می زیسته اند. تپه دیگر بنام " چکر عطا " نیز به دلیل واقع شدن در کنار دریاچه پشت سد گلستان و رسوخ آبهای دریاچه به ریشه تپه، قسمتهای فوقانی آن در حال ریزش است و هر گونه عملیات کاوش با گمانه زنی در آن با خطرات جانی همراه است.

**سرمایه گذاران رغبتی به سرمایه
گذاری در شهرک صنعتی گنبد
ندارند**

معاون اداری و برنامه ریزی استانداری گلستان یغمور قلی زاده گفت : چهار شهرستان گنبد کاووس، مینودشت ، کلاله و بندر ترکمن در جذب سرمایه گذاری و تسهیلات مشکل دارند. این مشکل در بخش صنعت بیشتر نمایان است و تاکنون نتوانسته است حتی ۲۵ تا ۲۷ در صد از تسهیلات بانکی که متعلق به این بخش است را جذب کند. او از مسئولان این مناطق خواست در این خصوص ، اقدام به روشنگری کرده و مردم را به سرمایه گذاری در بخش صنعت ترغیب کنند.

**دومین خط لوله صدور گاز
ایران به ترکمنستان**

قرار است خط لوله انتقال گاز آرتیق در یکصد کیلومتری شهر عشق آباد مناطق لطف آباد و درگز را در ایران از لحاظ گاز زیر پوشش خود قرار دهد. این خط لوله دومین طرحی است که پس از خط لوله کرپچه به مرحله اجرا در می آید. میزان صدور گاز آرتیق به ایران در ابتدا در حدود ۶ میلیون متر مکعب و در آتیبه به مقدار ۲۸ میلیون متر مکعب خواهد رسید.

**۲۲ هزار زندانی در
ترکمنستان**

نیازاف رئیس جمهور ترکمنستان ۱۲ هزار نفر از محکومان در ترکمنستان را مورد عفو قرار داد. بنا به گفته وی پس از استقلال ترکمنستان یعنی از سال ۱۹۹۱ تاکنون بیش از ۷۰ هزار زندانی از زندان های ترکمنستان آزاد شده و مورد عفو قرار گرفته اند. در بین زندانیان آزاد شده امسال بیش از ۶۰۰ نفر از اتباع خارجی از جمله ایرانی نیز وجود دارند که بنا به گفته برخی مقامات مطلع این تعداد بیش از ۷۰ نفر است. افراد ایرانی آزاد شده به مقامات ایرانی تحویل داده شدند. بنا به آماري که قبلاً از سوی ریاست جمهوری ترکمنستان اعلام شده تصدات زندانیان ترکمن در این جمهوری ۲۲ هزار نفر است. قابل توجه است نیازاف قانون مجازات اعدام در کشور را در دو سال پیش لغو کرد.

**قرآن به زبان قرقیزی ترجمه
شد**

برای اولین بار در قرقیزستان کتاب قرآن به زبان قرقیزی توسط شیخ علا الدین منصور از شخصیت های برجسته اسلامی در ازبکستان و قرقیزستان در ده هزار نسخه چاپ شد .

هفت شعبه ثبت نام اتباع خارجی در ترکمنصحرا را انجام می دهند

ترکیه : برای تامین حقوق ترکمن های عراق از هیچ اقدامی فروگذار نمی کنیم

خرید و فروش زنان و کودکان در قرقیزستان

از اول اسفند ماه طرح شناسایی اتباع خارجی در استان گلستان (ترکمنصحرا) آغاز می شود. در اجرای این طرح دو شعبه شهرستان گرگان، دو شعبه در شهرستان گنبدکاووس و در هر یک از شهرستان های آق قلا ، علی آباد، و کلاله نیز یک شعبه فعال می شود. این طرح تا ۲۶ اسفند ادامه می یابد.

قبرستان اقلیت های مذهبی در شهرستان گرگان به پارک تبدیل می شود

فراق های ساکن شهرستان گرگان از شورای شهر گرگان تقاضای ایجاد یک کانون فرهنگی کردند. فراق های گرگان که بنابر آمار موجود جمعیتی حدود ۵ هزار نفر را شامل می شوند برای حفظ احترام به گذشتگان خود خواستار آنند که این مکان محل تردد و رفت و آمد نباشد. اما این خواست با مخالفت اهالی و شهرداری روبرو شده است و این عده خواهان احداث یک پارک محلی در منطقه مورد نظر در کوی جوادپه معروف به گورستان فراق های گرگان هستند.

" اسماعیل جیم " ، وزیر امور خارجه ترکیه گفت : " آنکارا همواره از حقوق ترکمن های عراق دفاع می کند". وی این مطلب را در دیدار با " سنان احمد" رئیس جبهه ترکمن های عراق و هیات همراه بیان کرد. " جیم " گفت : " ترکیه برای حفظ و حمایت و بهبود حقوق ترکمن های عراق تلاش می کند. وی گفت : " ترکیه برای تامین حقوق ترکمن ها از هیچ اقدامی فروگذار نخواهد کرد."

سنان احمد هم گفت : " خواست ترکمن ها فقط دسترسی به حقوق مساوی است ". وی از حمایت های ترکیه در شناسایی ترکمن ها در سطح جهانی و احقاق حقوق آنان قدردانی کرد. سنان احمد در دومین شورای ترکمن های عراقی که سپتامبر سال گذشته در شهر اربیل برگزار شد، به ریاست جبهه ترکمن های عراقی انتخاب شد. آمار رسمی در مورد ترکمن های عراقی در دست نیست . اما برخی از منابع خبری ترکیه تعداد آنان را حدود سه میلیون نفر می دانند که حدود ۳۰۰ هزار نفرشان در مناطق تحت کنترل نیروهای " مسعود بارزانی " در شمال عراق زندگی می کنند.

بر اساس یک آمار منتشره از سوی دفتر سازمان جهانی مهاجرت در بیشکک ، پایتخت قرقیزستان در سال ۱۹۹۹ حدود چهار هزار نفر از زنان و کودکان قرقیزستانی به کشورهای خارجی اعزام و ناچار به خودفروشی شده اند. بنا به نوشته روزنامه آبسالوت اکسپرس چاپ قرقیزستان، امارات متحده عربی از جمله کشورهایی است که بیشترین دختران جوان قرقیزی به آنجا فروخته شده اند. بنا به نوشته این روزنامه ۲۲ درصد قربانیان این تجارت ، دختران ۲۵ ساله و کمتر از آن هستند. بنا به ادعای برخی دیگر از مطبوعات جنایتکاران دست به فروش پسران خردسال نیز مبادرت می ورزند و برخی از دست اندرکاران و همچنین برخی از مقامات انتظامی کشور بیش از ۴۰ هزار دلار در ماه از این بابت درآمد دارند.

در کشورهای آسیای میانه در سال های اخیر فروش غیرقانونی همانند قاچاق مواد مخدر و اسلحه به یک تجارت پر درآمد تبدیل شده است. بنا به آمار دفتر سازمان جهانی مهاجرت هر ساله جنازه صدها دختر قرقیزی در کشورهای خارجی کشف می شود.

اعتراض ایران به مانور نظامی روسیه در دریای خزر

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در ارتباط با اخبار منتشره در مورد رزمایش دریایی ناوگان روسیه در مناطق شمالی و مرکزی آبهای دریای خزر به روسیه اعتراض کرده و اظهار داشت: به اعتقاد ما دریای خزر، دریای صلح و همکاری است. اینگونه اقدامات در محل، به روند اعتمادسازی کشورهای ساحلی این دریا خدشه وارد میکند.

ترکمنستان و ایران به ضرورت بهره برداری مشترک از دریای خزر تاکید کردند.

بوریس شیخ مرادف فرستاده ویژه صفر مراد نیازوف رئیس جمهوری ترکمنستان در امور دریای خزر و کمال خرازی وزیر امور خارجه در دیدار با یکدیگر بر پایان جنگ و خونریزی در افغانستان و بهره برداری مشترک از منابع و ذخایر دریای خزر تاکید کردند. بوریس شیخ مرادف گفت: دیدار روسای دو کشور در عشق آباد، کمک شایانی به توافقات رژیم حقوقی دریای خزر خواهد کرد. همچنین در خصوص بحران افغانستان گفتگو خواهند نمود. دولت ایران و ترکمنستان خواستار پایان دادن جنگ و خونریزی در این کشور شدند و بر ادامه رایزنی کشورهای مختلف برای خاتمه دادن به این بحران تاکید کرد.

آلودگی دریای خزر توسط ایران

بنا به گفته برخی از کارشناسان محیط زیست گیلان، خطر آلودگی های مختلف، حیات رودخانه سپید رود، پر آب ترین رودخانه ورودی ایران به دریای خزر را تهدید میکند. آلودگی های شدید فاضلاب های انسانی، شیمیایی و برداشت بی رویه شن و ماسه از عوامل مهم تخریب کننده این رودخانه اعلام شده. کارشناسان گفتند که مهمترین مراکز آلوده کنند رودخانه سپید رود شهرهای رشت، لاهیجان و رودبار و همچنین بیش از یک هزار روستا در اطراف این رود هستند که بواسطه فعالیت های انسانی حجم عظیمی از آلودگی ها را وارد آن میکنند. علاوه بر فاضلاب های خانگی روزانه هزاران متر مکعب پساب های شیمیایی، صنعتی و صنایع تبدیلی کنترل نشده وارد این رودخانه و نهایتاً وارد خزر می شوند. از عوامل دیگر مواد آلوده کننده سموم و مواد آفت کشی است که کشاورزان استفاده میکنند. عامل دیگر تخریب رودخانه سپید رود استفاده بی رویه کارگاههای برداشت شن و ماسه از بستر رودخانه اعلام شده است که باعث شده است ماهیان خاویاری در مهاجرت و تخم ریزی طبیعی در این رودخانه به واسطه کاهش اکسیژن محلول آب و بسته شدن خلل و فرج سنگ های بستر رود دچار مشکل شوند.

هزاران فک دریایی در دریای خزر تلف شدند

بنا به نوشته مطبوعات آذربایجان هزاران فک دریایی در اثر آلودگی دریای خزر به مواد نفتی و شیمیایی تلف شدند. تعداد فک ها در دریای خزر در حدود ۴۰۰ هزار برآورد می شود و سال به سال بر اثر آلودگی آن سیستم دفاعی بدن آنها ضعیفتر می شود. علت دیگر مرگ و میر فک دریایی صید بی رویه و بدون نظارت ذکر شده است. بنابه گزارشاتی که در نشریه ایل گون آورده بودیم سال قبل نیز در سواحل دریای خزر در کشور قزاقستان دهها هزار از این جانوران بر اثر آلودگی بیش از حد آب دریای خزر نابود شدند.

صادرات شیلات ایران به صد میلیون دلار خواهد رسید

خداکرم جلالی، مدیر عامل شیلات گفت که تاکنون ۷۰ میلیون دلار میگو و خاویار به خارج صادر شده است و حجم صادرات تا پایان امسال (هجری شمسی) به قریب ۱۰۰ میلیون دلار خواهد رسید.

بنا به گفته مدیر عامل شیلات متوسط نرخ خاویار صادراتی ایران امسال در هر کیلو یک هزار و ۳۶۰ مارک رسیده است.

"حفظ دوتار" زنده کردن تمدن است

بیست و دوم آذرماه سال ۱۳۷۹ روزنامه همبستگی

پنجه بر تارهای دوتار که می کشید، روح را به پرواز در می آورد و نوایی جادویی را از لابلای تارها و سیم ها به فضا هدیه می کرد. در خطوط چهره اش تنها لبخندی موج می زد. از سن (صحنه) که پایین آمد لباس ترکمنی اش بیشتر توجه ام را جلب کرد. شور و هیجان وصف ناپذیری در وجودش موج می زد و صمیمیتی در نگاهش نهفته .

از او خواستم تا در مورد خودش و سازش بگوید. در حالی که فارسی را با لهجه دری تربت جام تلفظ می کرد، گفت : غفور سالور هستم. از ترکمن های تربت جام. از نواحی مرزی سرخس به این منطقه هجرت کردیم . ترکمن های تربت جام همچنان به سنت ها و خصوصا به زبان ترکمنی خود پایبند بوده و برای رسم و رسوم خاص خود اهمیت قایل اند.

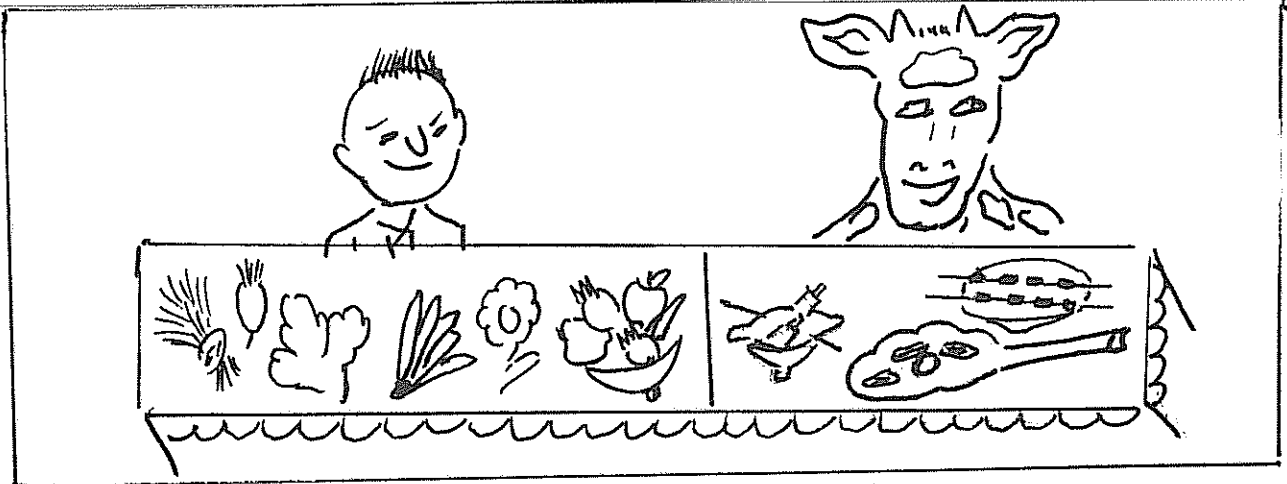
تربت جام مهد موسیقی مقامی است. موسیقی ترکمنی در پهنه ایران زمین از جایگاه ویژه ای برخوردار است . نواختن دوتار برای من مثل زنده نگهداشتن فرهنگ و تمدن است . اگر دوتار را بخواهیم معنی کنیم : قالبی مینک قوآتی سن ، قولومینک شهرآتی سن ، ایلی مینک دوریاتی سن ، اولینجام ایریلیمان سن . یعنی : تو قلب منی ، شهرت دست منی ، زاده ایل منی ، تا دم مرگ یار منی .

با ساماندهی بافندگان قالی ترکمن رونق

گذشته را باز می یابد

با ساماندهی ۱۹ هزار و ۵۰۰ نفر بافنده در ترکمنصحرا (استان گلستان) ، از افت کیفیت قالی ترکمن جلوگیری شد. این طرح ساماندهی در قالب ایجاد ۱۰ تعاونی و برای حمایت از تولید و افزایش در آمد بافندگان و ارتقای کیفی

قالی ترکمن صورت گرفته است . بر اساس آمارهای موجود در حدود ۱۵۵ هزار بافنده بصورت پراکنده به کار بافندگی قالی مشغول هستند که تنها ۱۹ هزار و ۵۰۰ نفر آنها در پوشش تعاونی ها ساماندهی شده اند. علت این امر ناشی از وضعیت نامناسب بازار قالی ، نداشتن توانایی مالی ، تولید و فروش تعاونی های قالی برای پوشش همه بافندگان و عملکرد نامناسب تعاونی ها از لحاظ پرداخت نقدی به موقع و کامل به بافندگان در مقابل تولید اعلام و خاطر نشان شده است. طی سالهای گذشته به دلیل استفاده بی حد و حصر از مواد شیمیایی در نخ های قالی ، بکارگیری رنگهای بی ثبات و مواد نامرغوب ، تکرار نقشه های مورد استفاده و نداشتن نوآوری در طراحی نقوش و فراموش شدن نقوش اصیل به دلیل ذهنی بافت بودن، قالی ترکمن در بازارهای مصرف با افت کیفی شدید مواجه شده بود. طرح شناسایی و احیای نقوش قالی ترکمن با توجه به اصالت و ریشه این قالی یکی دیگر از اقداماتی است که به منظور جلوگیری از افت کیفیت قالی ترکمن صورت گرفته و برای اجرای طرح، از کتب نقوش قالی ترکمن کشور ترکمنستان نیز استفاده شده است. در این زمینه همچنین ضمن جمع آوری بافت های قدیمی ، به سلبقه بازار و نقوش جدید با حفظ اصالت قالی ترکمن توجه شده است. شش سال پیش قالی ترکمن به دلیل رکود بازار با اصرار و تقاضا هم خریداری نمی شد اما اکنون با رفع نواقص ، احیای نقوش، آموزش های لازم ، اصلاح بازار یابی ، تشکیل تعاونی ها و اتحادیه مربوط به آن ، یکبار دیگر اصالت و جایگاه گذشته خود را باز یافته و رونق گذشته را به دست آورده است به طوری که شهریور ماه سال گذشته در نمایشگاه بین المللی تهران بیش از ۳۰ میلیون تومان قالی ترکمن به فروش رفت. همچنین ۷۰ میلیون تومان قالی ترکمن از ترکمنصحرا به خارج از کشور صادر شده است. اکنون کار بافت قالی بر اساس سفارش و قرارداد انجام می شود.



آدامیزاد، آدام لینگه شتکیم بار
 بیلدوک بیز، نامه گناه بیزده بار
 بیز، بیزینگه، اولدیریب شتن قومادینگ
 ایندی بیزه م، اولدیرمانه قصدینگ بار
 آق سووت برده م، امهالم دهن دیشلارینگ
 یوقورت برده م، ایران برده م دویمادینگ
 دوشتن قسینگ، بیز بیزینگه سقر دیب
 شیدیب بیزی ارانگیزده خوارلادینگ
 ایندی بزیگ، ایلی میز ایدینگیز
 اوز، اتی میز، اوزی میزه بردینگیز
 ایلی میزینگ، نیزده بولدی پارخی میز
 شیده ب آخر، باشی میز ایدینگیز
 ایندی حکم ایلادینگ بیزی یاقماقه
 نا جیلی وجدانینگ قوی یار یاتمانه
 تو میس بزیگ، ساوقی چالمیز انشینگ
 د شری میز، قیش م، دوزلاب کیرینگیز
 اولدیر شت م بولدی علمینگیز سیزینگ
 آدینگیزه، ادا میزاد، قومدینگیز

اوتان، ایندی، اوتان، اوزینگدن اوتان
 یا بولماسه، دنگه، آدینگدن اوتان
 بیزا، بولساق لودهک، دوشین مان یاتان
 شتن نا جیلی بولدینگ، شتوب یخی یاتان
 ایندی بولسه دردلاب یاتیس انلدهن
 شتن نام او چون ایندی کیشل لاب یاتینگ
 ایوب گزگی

Tapmaçalar:

	1.	2.	3.	4.	5.	6.
1.						
2.		@				
3.		@				
4.			@			
5.		@				
6.				@		

Kese:

- 1- Kelle agyry keseli.
- 2-Arwana bilen bugradan bolan erkek mal. Goşgularda köplenç ner bolup gelýär.
- 3- Tekizlemek üçin ulanylýan gural.
- 4- Radon (gysga ýazylyşda)
- 5- Ujy ýiti bolan. Iki „...“ - Belli däl, ahmal.
- 6- Ösümlikleriň ýer astyndaky bölegi.
- Ýüň, pamyk egirme el guraly.

Dik:

- 1-Ýollaryň biri-birini kesýän, çatyşýan ýeri, aýryt.
- 3- Adama degişli sorag çalyşmasy.
- Ýokarky ujy tüýnüge, aşakly ujy tärime berkidilýän agaç.
- 4- Ynam
- 5- 1800-nji ýylda, Türkmen-sähranyň Garaguzy obasyn-da dünýä gelen türkmen şahyry.
- 6- Ortalyk

Tapmaçalar: Il-gün 16

	1.	2.	3.	4.	5.	6.
1.	Ö	T	Ü	K	@	G
2.	Ç	@	@	Ü	Ý	E
3.	@	Ç	@	J	A	R
4.	K	Ä	Ý	I	N	Ç
5.	Ä	G	ä	@	@	E
6.	N	E	R	R	I	K

انتشار نشریه "سۆز"

"انجمن پژوهشی ترکمن" اولین شماره نشریه خود را تحت عنوان "سۆز" را در آذرماه منتشر کرد.

در "آغاز سخن" شماره اول گفته شده است: "انجمن پژوهشی ترکمن" جهت تحقیق و بررسی علمی مسائل مربوط به ترکمنها در زمینه های تاریخی، ملی، فرهنگی، ادبی، اجتماعی، و بهمان ترتیب روشنگری واقعیات و حقایق تحریف شده در رابطه با ملت ترکمن، به عنوان يك ضرورت ایجاد گردیده و وظیفه خود می داند که به سهم و توان خویش در دستیابی به این اهداف تلاش نماید."

"انجمن پژوهشی ترکمن بعنوان يك انجمن مستقل تحقیقاتی" بوده و "راستای فعالیت عمده آنرا کارهای تحقیقاتی و پژوهشی عبارت می سازد"

این نشریه به دو زبان فارسی و ترکمنی منتشر شده است.

برای این دوستان آرزوی موفقیت داریم.

آدرس نشریه:

Postfach 550206
6040T Frankfurt
Germany

Demokratiýa hakda

Jemgiýetçilik düşüňjeler, ylmyň başga pudaglarynda bolan kesgitlemelere görä durumly we mydamy kesgitleýji gylga eýe bolmaýarlar. Bu düşüňjeler orna, zamana, sosial ýagdaýa we ýenede köplerçe parameterler bilen baglanyşykly bolup, her bir ýerde, zamanda we jemgiýetde özüne görä degişli we ýerli many tapýarlar. Eger-de matematikde, chemie ýa-da physikada abstrakt düzgünler, zamana we orna garamazdan, öz boluşlylyklaryny saklasalar we belli bir kanunlar, özara aragatnaşyklar arkaly özge rişilmez durmuşa çyksalar, jemgiýetde onuň tersine, kanunçylyklar bolsa-da, olaryň bir-birleriniň baglanyşygy, hili, özara aragatnaşyklaryny we bularyň hemmesiniň köpçülikde bar bolan çylşyrymly baglanyşyklara, nähili täsir edýändigini anyk bilmek ýa-da ony öňünden çak etmek mümkin däl.

Demokratiýa hem jemgiýetçilik düşüňjeleriň biri bolup, şu hatara girýär. Onuň söz manysy halk agalygy bolsa-da bu agalyk her bir ülkede, döwürde, özboluşly, döwre, jemgiýetiň aň ösüş, yktysady sosial ýagdaýlaryna mynasyp we aýratyn görnüş tapýar. Häzirki zaman ösen döwletleri, Europada we ýa Americany göz önüne tutup görsek, demokratiýanyň iki ýüzlüligini ýagny içerde bir görnüş we daşarda başga bir görnüşiniň bardygy aýaýdyndyr.

Sosial güýçleriniň deňlik derejesi, jemgiýetiň azatlyk möçberiniň aýnasydyr.

Elbetde bu ýurtlarda bar bolan şahsy azatlyklar, söz, metbugat we başga adamzat azatlyklary, bu ülkeleriň halklarynyň asyrlar boýy göreşiniň netijesi bolup, jemgiýetiň ösüş derejesine deňeçerräk jebis gelýär. Bu ülkelerde bolan dürli toparlar köplenç gezekme-gezek aga-

lyk edýärler diýmek olaryň sosial güýçleri deňräk bolup, bir-birlerine gulak asmaga mejbur bolýarlar. Opposition güýçleriniň çaknyşygynyň netijesinde umumy halk azatlygynyň gerimi saklanýar hem giňelýär. Bu çaknyşyklaryň parahatçylykda öňe sürülmegi demokratiýanyň saklanmagynyň, onuň çäginin giňemeginiň we onuň ösmeginiň şertidir. Sosial güýçleriniň deňlik derejesi, jemgiýetiň azatlyk möçberiniň aýnasydyr. Umuman demokratiýa mazmunyny ülkeden – ülkä göçürüp bolman ony her ýurduň özünde analizlamak gerekdir. Azatlyk, içerde opposition güýçleriniň garşylaşmagy netijesi bolsa, daşarda umumy halk bähbitlerini goramakdadyr. Jemgiýetiň ösüş ýagdaýyna görä, onuň aňynyň, sosial-yktysady, maşgalaçylyk aragatnaşyklarynyň ösdürmek ugrunda bolýan işleri demokratiýanyň esaslaryny gurmak we ony berkitmek diýmek bolar.

Yaz

Maňlaýlary sakar,
gar ýaly akdyr.

Gulaklary keyki,
aýagy okdur.

uzyndyr guýrugy,
uzyndyr boýy,

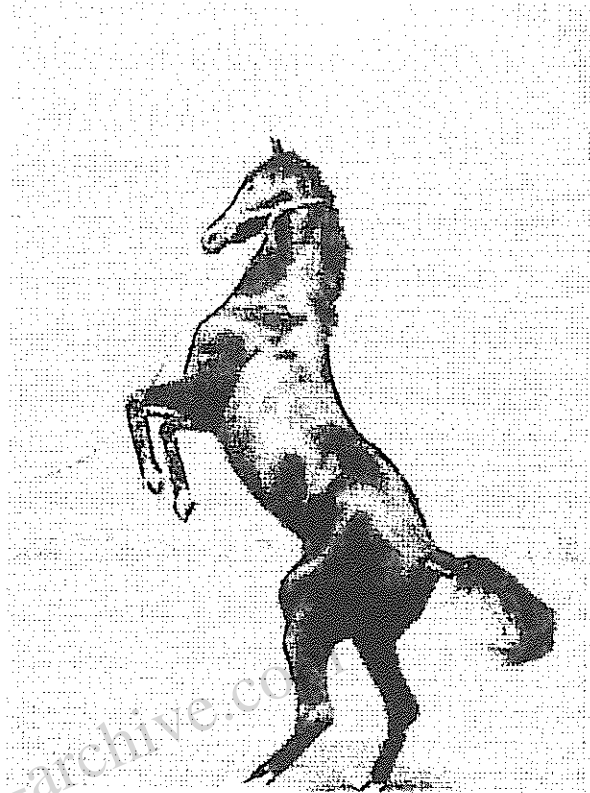
Belentdir sagrysy,
inçe billeri.

Ýeňdirmez ýaryşda,
ýorga aýagy,

Saýlanyp durandyr,
meýdanda özi.

Suratyň etegine
gerekdäl ady,

Şondan başga nyşan,
meýdanda ýokdur.



ماڭكلارى ساقتار، قارىلى اقدیر
قولاقلارى كىكى، آياغى اوقدیر
اوزین دیر قوروغى، اوزین دیر بونی
بىلنت دیر ساغرىسى، اینچى بیلدی
نىگدیر نزاریشدا، یوغسا آياغى
سايلانپ دوراندیر، میداند اؤزی
صورتىگ انگنه تىگىگ دال آدی
شوندان باشغانىتان، میداند اوقدیر

ایوب گزگزی

Döndi adynda bir gyzy söyende bolsa onuň bilen goşuny birikdirip bilmändir:

Ah hasrata, wah hasrata, neýläýin
Felek sitem etdi ýardan aýyrdy

Şair, şol döwürlerde gyzlaryň
öz meýli bolmadyk erkeklere
berilmegini gaty ýazgarýar:

Dünýäde bed işdir, zor bilen bermek
Biriniň birine meýli bolmasa.

Şair soňra Nury adynda bir gyz
bilen öýlenýär we ondan Mämetdöwlet diýen ogly bolýar.
Mämetdöwlet ilki Mama, soňra-da Hallybibi bilen öýlenýär
we ondan Gurbandurdy, Annadurdy, Juma we Nury(gyz)
dünýä gelýär.

Gurbandurdy Zeliliniň eserleriniň agramly bölegini watançylyk, yşky-liriki we ahlaky goşgular emele getirýär. Şair Zelili halk döredijiliginden, dessanlardan we ylaýta-da daýysy Magtymgulynyň satiriki eserlerinden ugur alyp, öz döwürdeşleri bolan Kemine, Seyidi, Mollanepes ýaly, halkyň hak hukuklaryny goryp çykyş edipdir. Ilki söýgi-yşk barada ýazan şair, soňra sosial deňsizliklere durup geçipdir:

Bir niçeler gezer mele don geýip
Örtener nebsiniň oduna köýüp

Magtanarlar ile „Sofi men“ diýip
Emma weli, gözlerinde nem bolmaz.

Pis eýýamdyr kişi göwnün güýtmezler
Tanylmasaň gelip atyň tutmazlar
Hudaý üçin saňa hyzmat etmezler
Donuň gyzyl, atyň şaýly bolmasa.

Zelili, çet ýurtly basybalyjylaryň talaňçylykly hüjümlerine we olaryň elhenç zulumlaryna garşy çeper söz bilen hem-de ýarag bilen göreşipdir. Onuň Watany seni, Nyşan Seyidi, Seyidi we Boldum ýaly goşgulary, iň täsirli mazmuna eýe manzum eserleridir. Ol, il-ýurdundan aýra düşen adamyň elmydama öz watanyny zarla-jaklygyny beýan eden wagty şeýle diýär:

Aýdar Zelili biçäre
Günde yüz köý geler sere
Her kim düşse garyp ýere
Zarlap „Watan-II“ diýp aglar.

Zelili türkmen taýfalarynyň arasyndaky agzalalyklary ýok etmek, kese ýurtly basybalyjylaryň penjelerinden halas bolmak maksady bilen ýeke-täk dogry ýol hökmünde türkmenleri birleşmäge çagyýar:

Ürgenji illermiz gaýtsalar bári
Saga-sola dargan ýygylsa bary
Jem bolup ýörisek, galmasa biri
Sürüp barsak Garrygala Seyidi.

çomry onda bolsa, çarwa sergizde
Günbatary Çatda. Öylük düzünde
Gündogary Hartut, ardy Margizde
Öfi baryp gonsa Guwla Seyidi.

Zeliliniň dili sada we düşünüklidir, onuň türkmen klassiki edebiyatyny forma taýdan baýlaşmagy üçin jan çeken täzeçil adam bolanlygyny aýtmak gerek:

Husnuň dünýä şugla salar
Ay-gün ýanaşsa, uýalar
Özünden giden köp bolar
Ýörir bolsa düz biläni.

Zeliliniň eserlerinde käbir arap, pars sözleriniň bolmagyna garamazdan, onuň dili okyjylara düşünüklidir. Şol sebäpden-de onuň köp sanly goşgulary halk arasynda giňden ýaýrapdyr.

Şair Gurbandurdy Zeliliniň eserleri, türkmen halkynyň taryhy bilen-de berk baglanyşyklydyr.

Ýene bir tire-de, gökleň serdary Ýagşymergeniň hökümi bilen Hywa tarap ugramaly bolýar :

Sürüldiler il barysy eňşeşip
Fyganyna daglar-daşlar gymşaşyp
Asman joşa geldi, zemin gowşaşyp
Bulutlar durdular, nala Seydi.

Görmesin ol jebri, musulman bende
Bady-baran garlyp ýagar tün günde
Köfi ölüp galdy, az çykdy zinde
Arkaç indi uwla-uwla Seydi.

Şeýdip Zelili, habary Muhammed şahyň gulagyna baryp ýeten „Etrek-Gürgende ýaşayan Göklenleriň Hywa sürülenligi“ baradaky wakanyň wagtny hem şol wagtyň hawa şertlerini-de görkezipdir we ol, 1837-nji ýylyň 7-11-nji February aralygy bolmaly.

Salam Seydi goşgusyna jogabynyň bir ýerinde Seydi-de şeýle diýär:

Ahyrynda baryp yetdiň har bilen
Uzak ýoldan Hywa geldiň Zelilim.

Zelili haçan sürgünden yzyna gaýdyp gelyär

1800-nji ýylda dünýä gelen we 1852-nji ýylda dünýäden öten şair Gurbandurdy Zeliliniň, 1837-nji ýylda Hywa sürgün edilenligini nazara alyp, şol

wagtda Seyidnazar Seyidiniň (1760/66-1830/36) eýýäm Allah tagalanyň rahmatyna gowuşandygyny bellemek bilen onuň (G. Zeliliniň), alym Nurmuhammed Aşyrpuryň aýdyşy ýaly (Seydi hoja-Gabus neşriýaty, Iran-1980) Seyidnazar Seydi bilen däl-de, Seyidi hoja (Artykmuhammed/1802-1845) bilen dostlaşyp şygry aýdyşandygyny ýene bir gezek nygtamaklygy makul gördük.

XIX. asyrdan gökleň hanlaryndan Haýdar han (taryhy şahs) Hywa hanlygynda hyzmat edýär. (S.Durdyýew-G.Zelili, A.-1959 s. 75). Rahymguly han 1845-nji ýylyň ahyrynda ölýär we 1846-njy ýylyň başlarynda Muhammed Emin (Mädemini) tagta çykýar. Şu iki ýylyň içinde gökleňler Etrek-Gürgene göçýär we ýene Köneürgenje getirilýär. Haýdar han ýitirim bolýar.

Hanyň ogly öz ýurduna göçüp gaýdýar. Şeýdibem Haýdar hanyň serdarlyk eden Köneürgençdäki gökleňleri, 1845-nji ýylda Garrygala taraplaryna gelyärler. Şol gelenleriň arasy bilen şair G. Zelili-de öz ýurduna dolanyp gelyär (Agehi /Hywa taryhçysy).

G. Zelili 5 ýyla golaý Garrygalada ýaşap, soňra Etrege göçüp barýar. Seydi hojanyň 1845-nji ýylda aradan çykanlygyny nazara alyp onuň (Zeliliniň) Seydi hoja bilen şol ýyldan ozal gataşykda bolanlygyna we häzir Seyidnazar Seydiniň eserleri diýip tanylyan hemme goşgularyň onuňky dälidigine, goşgularyň haýsylarynyň kimiňkidigini saýgaryp-seljerip bellemekligiň-de türkmen edebiýatçylarynyň önünde duran borçdugyna ynanyars.

Zeliliniň döredijiligi

G.Zelili, özünden ozal ýaşap geçen şairleriň we ylaýta-da öz daýysy Magtymguly Pyragynyň eserlerini ymykly öwrenipdir. Ol, agyr ýagdaýlar başdan geçirenligini şeýle beýan edýär:

Bu garyplyk üstümizden gitmedi
Göwün maksat-myradyna ýetmedi
Gaýgy-gamsyz meniň wagtym ötmedi
Gezmedim hiç, göwün hoşuň içinde

Şairiň işi, daýhançylyk we kümüş ussachylygy bolupdyr.

Öz daýysy Magtymgulynyň şol işini dowam etdiren Zelili, ök-de sazanda-da bolupdyr.

ýylda harby herekete girişýär. Bu habary eşiden we Etrek-Gürgen hem Garrygala türkmenlerini öz raýaty hasap edip ýören Hywa hany-Allahguly han, garşylykly herekete başlaýar. Muhammed Şahyň-da, Allahguly hanyň-da asyl maksady, türkmen taýfalaryny gul edip öz ýurtlaryna sürüp alyp gitmek bolupdyr.

Muhammed Şah, Garrygaladan başlap, Çelekene çenli bolan aralygy talaýar, abad oturan illeri Tährana tarap sürgün edip başlaýar. Allahguly han-da Etrek-Gürgen obalaryny ýetişibildigidinden Hywa tarap göçürüp ugraýar we şýdip abad oturan iller bibad bolýar.

Ýad etsem şol öten ýawuz günleri
Eşk-i çeşmim derýa eder çölleri
Parahat oturan abad illeri
Bibad etdi bu paňkelle Seyidi.

Iran taryhynyň habar bermegine görä Muhammed şah 1836-njy ýylyň June aýynda 27.714 serbazdan ybarat agyr goşun bilen gökleň we ýomut türkmenleriniň üstüne ýörişe geçipdir we geler-gelmez türkmen ýaşulularyny Şahkuh diýen ýere ýygnap kellelerini ke-

sipdir. Ýene şol ýylyň August aýynda ol, Feridun mirzäniň ýolbaşçylygynda 13.642 serbazdan ybarat goşuny Garrygala tarap ýollaýar. Türkmenler Etrege-Arkaja yza çekilmeli bolýarlar. F. mirze Garrygala ady bilen tanylyan galany ýumuryar we 200 çemesi türkmeni esir alyp Gürgene tarap ugraýar. Ýene şol August aýynda Günbed Gabusa gelen Muhammed şah, 500 sany gökleň aksakgalyny zamun alyp Ästrabadyň beglerbegi Apbas hanyň serbazlarynyň gözegçiliginde Tährana ugradýar. Şahyň buyrugy bilen şol ýylyň Nowember aýynda ýene köp sanly türkmenler esir alnyp Tährana ýolanýar. Şol ýagdaýy gören Bode Koliçew öz bu baradaky kitabynda şeýle ýazýar:

„...ýöne welin mundan hem beter bolýar. Erkek, aýal, hatda çagalary-da Tährana sürüp barýardylar. Bir görgüli türkmen ýadawlykdan we açlykdan essi aýylyp, ýol ugrunda ýykyldy, garawul ony turuzjak boldy, turzup bilmedi. Şonda, esir türkme-

niň gaçmanlygyna öz başlyklaryny ynandyrmak üçin, onuň kellesini kesdi. Has-da aýylganjy goşunyň agşamky gonalgasyna çenli, gana bulaşan äriň kellesini göterip gitmeklige, biçäre türkmen aýaly mejbur edildi“.

Gajar şahy- Muhammed Şahyň eden bu wagşyçylykly işinden soňra, 1837-nji ýylyň başlarynda, Gürgende ýaşayan gökleňleriň bir bölegini Hywa hany, Etrege göçürdi diýen habar Iran şahynyň gulagyna gelip ýetýär. Muhammed şahyň buyrugy bilen Nejep atly han, Etrek-Gürgen taraflarynda ýaşayan türkmenlerden 1500 maşgalany Bujnurd töwereklerine göçürýär, hem-de B. Koliçewiň suratlandyryşy ýaly:

Mu'min bolan, bolar bu işe girýan
Bagry para-para baglap ýürek gan
Ýesiriň ilersi, barypdyr Tähran
Gaýrasy bolupdyr Hywa Seydi.

1836-njy ýylda Garrygala türkmenleri Feridun mirzäniň goşuny bilen söweşip, Etrege çekilende, oturymly ilat hem Arkaja göçýär.

1- Seyidnazar Seydi: Ärsary taýpasyndan, Çärjewli (Lebaply), 1760-1766 / 1830-1836-njy ýyllar aralygynda ýaşap geçipdir.

2- Artykmuhammed Seydi (Seydi Hoja): 1802-1845-nji ýyllar aralygynda, Etrek töwe-reklerinde ýaşap geçipdir.

3- Arazalyogly Seydi (Seydi bagşy): 1908-1982-nji ýyllar aralygynda ýaşap geçipdir. Ol, şair, bagşy hem ökde sazanda bolupdy. Seydi bagşy, Türk-mensähranyň Akgala şäheriniň Akdegiş obasynda ýaşapdyr.

Seydi öz „Gal Indi“ atly goşgusynda:

Kyýamat gardaşym molla Zelili,
Sen yzymda düzüp dessan gal indi.

diýse, Zelili-de öz „Seýle Gideli“ atly goşgusynda:

Iki jahan byradarym, hemdemim,
Gel Seydim, ýara seýle gideli.

diýip beýan edýär. Bu ýerdäki gardaşym sözi, edebi dilde garyndaş-gan düşer diýlen manyny aňlatsa ol, azerilerde gardaş we türklerde kardeş, türkmenleriň gökleň taýfasynda-da gardaş şekli bilen dogan diýen manyda ulanylýar. Byradar sözi-de, parslarda bärader, almanlarda bruder, iňlislerde-de bro-

ther şekli bilen dogan diýen manyda ulanylýar.

Kyýamat gardaşym bilen iki jahan byradarym diýen sözlere kyýamatlyk dogan manysy berilmeli bolsa onda, kyýamatlyk doganyň nämedigini düşüneýliň: Kyýamatlyk dogan, dünýäde-de, kyýamatda-da, birekbirek bilen dogan bolmaklygy aňladýar. Kyýamatda her kim öz başyny çaramalymyş, atanyň oğla, enäniň gyza, doganyň dogana delalaty ýetmezmiş, emma kyýamat doganlar arkalaşyp bilermiş, bir-birinden aýrylmazmyş. Köplenç ýaşlykdan bir-biriniň syryny saklan ýoldaşlar Kyýamatlyk Dogan bolupdyrlar. Onuň şertlerini bozan adam, itden beter pislenýär ygrarsyz, namard adam diýip tanylyarmyş, ýagny kyýamatlyk dogan, ilahi päk, mukaddes dostlukdyr.

G. Zelili bilen Seyidnazar Seydiniň Şirgazy medresesinde, bir döwürde okamanlygy, şüphesiz bir hakykat. S. Seydiniň Hywada (Şirgazyda) okanlygy subut edilen ýagdaýynda-da, G. Zeliliniň okuw üçin Hywa gitmähligi pereň aýnasyndan görülen ýaly aýdyň (G. Geldiyew, taryh

edebi ykballar, A-1990)

Kyýamatlyk Dogan bolmak meselesiniň aýatda-da, hadysda-da ýoklugyny, onuň türkmenleriň arasynda gadymdan gelýän bir däpdigini bellemek gerek. Onsaňam, bir ýaş-ýetginjegiň, özünden kyrk ýaş uly bir adam bilen kyýamatlyk dogan okuşmagy, türkmen däplerinde bap gelmeýär. Onda Zelili kim bilen k.dogan okyşypdyr diýen sorag gelip çykýar we onuň-da jogabyny, özünden iki ýaş kiçi bolan Artykmuhammed Seydi (Seydi Hoja), diýip beramaly bolýar.

ZELILI HAÇAN WE KIMIŇ TARAFYNDAN SÜRGÜN EDILÝÄR?

XIX. asyryň 30-njy ýyllarynda Hazar deňziniň günorta-gündogar çäklerinde ýaşayan türkmen taýfalarynyň arasynda Russiýanyň täsiri güýçlenip ugralary. Bu işde Kyýat hanyň (1754-1843) we ogullary Ýagşymuhammed bilen Kadyrmuhammediň uly hyzmaty bolupdyr. Bu ýagdaýdan Iranyň şahy (Muhammed şah 1834-1848-nji ýyllar aralygy padeşah) biynjalyk bolýar we 1836-njy

Türkmen edebiýatynyň taryhyndan bir ýaprak

Ýazan: Dr. Mehmet Kylyç

Giriş: Türkmen edebiýatynyň taryhyna göz aýlasaň, bu ugurda iş bitirenleriň (Türkmen dilini we edebiýatyny hem folkloryny ösdürip dowam etdirenleriň) hemmesi diýen ýaly, agyr günleri başdan geçiripdirler. Olar ýa garyp, ayak ýalaň, kendir guşak bolup ýaşapdyrlar, ýa-da il bolup ýerli, kä hallatlarda-da goňşy döwletleriň ýolbaşçylarynyň gazabyna, hüjümine sezewar bolup ýaşapdyrlar. Şeýle-de bolsa, olaryň bitiren işleri, halkymyza eden hyzmatlary, bize galdyran gymmat-baha eserleri, dilimiziň edebiýatymyzyň genji- hazynasydyr. Olaryň eserlerinden, nähili agyr günler başdan geçirendiklerini aňmak bolýar. Bize düşen wezipe, şol edebi hazynalaryň, ilki bilen mazmununa pugta düşünmek, ikinjiden-de, olary iş ýüzünde amala aşyrmak we ogul-gyzylymyzy öz

geçmiş taryhymyz bilen tanyşdyrmak, şeýdip, dilimizi, adatlarymyzy janly saklap, dowam etdirmekdir.

Biz öz bu makalamyzda XIX asyr türkmen edebiýatynyň görnükli wekili Gurbandurdy Zeliliniň ömri-döredijiligi hem başdan geçiren agyr günleri barada gysgaça durup geçmek isleyäris:

Sözbaşy

Gurbandurdy Zelili, Iran türkmenleri ýaşayan Türkmen-sähranyň Garaguzy diýen obasynda dünýä gelýär. Ol, beýik akyldar Magtymguly Pyragynyň ýegeni, Döwletmämet Azadynyň gyz agtygydyr. Zelili, onuň edebi lakabydyr. Kakasynyň (dädesiniň) ady Mämetdöwlet, ejesiniň ady-da Hurmadyr.

G. Zelili, Gökleň taýfasynyň Dodurga urugynyň Gerkez tiresiniň Nazarguly tofarynyň Kemerler şahasyndandyr.

G.Zeliliniň ady agzalanda, onuň haçan dünýä gelenligi, haçan Hywa sürgün edilenligi, kimiň tarafyndan sürgün edilenligi, haçan sürgünden gaýdyp gelenligi, haýsy Seydi bilen

kyýamatlyk dogan bolanlygy we haçan aradan çykanlygy baradaky sowallar, adamyň önünde keserip duruberyär. Çünki bu sowallara çürt-kesik jogap berip bilen alym ýok. Bir alymyň aýdanyny, birnäçe ýyldan soňra, ýa şol alymyň özi, ýa-da başga bir alym inkär edýär. Şunlukdan, okyjylar, bilesigeliçiler, ylaýta-da Türkmenistanyň çäklerinden daşarda ýaşayanlar kösenip galýarlar. Şeýle gapma-garşy fikirlere, beýleki şairler-klassiklar hakda-da ýüze çykýar.

Biz, G. Zeliliniň 1800-nji ýylda dünýä gelenligi, onuň 1837-nji ýylda Hywa sürgün edilenligi, sürgün eden-de Allahguly handygy, 1845-nji ýylda sürgünden gaýdyp gelenligi, onuň kyýamatlyk doganynyň-da Seydi Hoja- Artykmuhammed Seydidigi we 1852-nji ýylda-da aradan çykanlygy baradaky maglumatlary dogry diýip hasap edýäris.

Kyýamatlyk dogan meselesi

Ilki başda Seydi lakaby bilen üç şairiň ýaşap geçenligini kabul etmelidiris:

iliniň hiç bölegi bu formal bö-
lümlere uýgun dälidir. Ýomutlar
ýakyn döwürlere çenli öýlerde
ýaşapdyrlar we belli döwürlerde
göçyän ekenler. Emma olaryň
gaty az bölegi maldarcylyk edip
uzak wagtlap göçme ýagdaýda
ýaşapdyrlar. Çomurlar umuman
daýhancylyk edýärler. Şeýle
ýagdaýda olaryň ýaşayşy otu-
rymlylyk bilen göçmenlik araly-
gy bolup görünýär. Emma muňa
garamazdan syýasy normlar esa-
synda çarwalar bilen çomurlaryň
ikisi-de göçme kowmlaryň topa-
ryna degişlidir. Ýagny olaryň
özlerine mahsus bir guramalary
bolup, goşun güýçleri boýunça
gaty meşhur bolupdyrlar...

Bularyň hemmesinden ähmi-
ýetlisi, ýomutlaryň öz hereketli-
liklerini, merkezi hökümetleriň
olary gol astyna almak ugrunda-
ky edýän talaşlaryna garşy, öz-
leriniň syýasy garassyzlygyny
goramak üçin peýdalanmaklary-
dyr... Türkmenler örän ökde at
münüji hem-de örän oňat atlara
eýedirler... Merkezi hökümetiň
tarapyndan olary ezmek üçin uly
goşun iberilen wagty, umuman
aýry-aýry taýpalar özara agzala-
lyklaryny taşlamak bilen, köp
sanly atly-ýaragly güýç taýýarla-

ýardylar. Bu atly güýçler köp-
lenç ýagdaýda Eýranyň merkezi
hökümetiniň garşysynda öz üs-
tünliklerini saklap bilipdirler.
Emma garşysyndaky goşunyň
güýji üstün bolan ýagdaýynda
da ýomutlar olara boýun bolma-
gyň ýerine sähralara tarap yza
çekilip, maşgalalary hem mal-
garalaryny-da özleri bilen äkid-
yän ekenler. Şeýlelik bilen ýo-
mutlaryň hereketliliği merkezi
hökümetden özleriniň syýasy
garassyzlygyny goramak üçin iň
soňky ýarag hem çäre hökmün-
de ulanylypdyr...>>(7)

...Günbatar alymy A. Wamberi,
Bizanslylaryň (Wizantiýalylaryň)
altynjy asyrdan türkleriň arasyna
iberen ilçileriniň beren habarlary
we olaryň (türkleriň.m.) baş tu-
tany ;Dizabul; ýa ;Dizawul; (bu
sözi alym düzediji, ýolbaşçy we
şahyň orunbasary diýip many
edýär. m.) bilen görüşendikleri
hakynda gürrüň berip şeýle ýaz-
ýar: << Türkleriň haýsy halklar
bilen etniki gatnaşygy bolandygy
barasynda biz, MINANDERiň
aýdanlaryndan şeýle netije çy-
karyars: Türkleriň, ir wagtlar
;Ýustin; iň öz ilçilerini aralaryna
iberen we özlerini „saklar“ diýip
atlandyran halk bilen etniki

gatnaşygy bardyr. Saklaryň dog-
rudan-da türk bolandyklarynyň
ätimaldygyny biz öňki işlerimiz-
de nygtapdyk (ser. Ursprung der
Magýaren, s. 17). Şeýlelikde Wi-
zantiýalylaryň (Bizanslaryň) hem
ony kabul edendikleri hem-de
Oks we Syrderyanyň aňyrsynda
ýaşan türkleriň şol at (saklar)
bilen tanalandygy örän dogru-
dyr...>> (8)

Edebiyat:

1- „Prof. Soltanşa Atanýaz, „Şejere“
Aşgabat-1994, s.9

2- Taryhy Herodot, Tähran-1965,
s.281-82

3-Ýene şol. s.296

4- Ser. 1: Fatima Mernisi „Soltan ha-
nymlar“ Istanbul-1992 s.17-18,

2: Prof. Faruk Sumer „Oguzlar (Türk-
menler)“ Istanbul-1980 s.46

5- „Gadymdan galan nusgalar“ s.22

6- Alyndy: Ýylmaz Öztuna „Başlan-
gyçdan zamanymyzy kadar böyük
Türkiýe taryhy“ Istanbul-1977-s.22

7- „Ilat we Aşayyr“ Tähran, Agah
neşriyaty-1984, s.149-166

8- A. Vamberi „Das Turkenvolks“
Osnabrück-1970, s.14

dowamy bar

Bu ýagdaý gündogar ülkelerde diňe türki halklarda şeýle bolupdyr. Muny biz Korkut-Ata we Görogly ýaly eposlarymyzda ap-açyk görýäris. Ýslam dünýäsinde-de hanym soltanlar diňe türki halklardan bolupdyr. Ebni Fázlan we Gerdizi ýaly syýahatçylar-da oguz hanymalarynyň azad-erkin ýaşawyşlary, ençemesiniň bolsa şalyk derejesine ýetenligi we beýle ýagdaýyň beýleki halklaryň hiç birisinde görülmändigini hakda ýazýarlar.(4)

Bulardan başga hatda ýaňy ýakynda „Gökdepe“ söweşinde-de türkmen gelin-gyzlarynyň erkekler bilen egin-egine berip, at üstünde basybalyjylara garşy gaýduwsyz söweşendigini bilýäris. Beýle ýagdaýyň gündogaryň beýleki halklarynda bolandygy hakynda maglumatymyz ýok. Bu ýerde Herodotyň sak hanym şasy TUMARYSyň Eýran şasy Kuroşy ýeňmek bilen uly üstünlük gazanandygy dogrusyndaky habaryny taryhçylaryň ahlisiniň nygtaýanlygyny belläp geçmelidirs. Bu barada türkmen alymy Nazar Gulla şeýle ýazýar: << Şolaryň (bu ýerde gadymy legendalarynyň gatnaşan söweşleri

barada gürrüň edilyär. m.)ikinjisinde, Herodotyň ýazmagyna görä Massgetlerden, Strabonyň ýazmagyna görä bolsa, saklardan (bu ikisiniň aslynda bir taýpalygyny tassyklaýan çeşmelerde ýok däl) bolan hökümdar aýal TUMARYň (grekçe Tumarys) miladdan öňki 530-njy ýylda kuwatly hem gazaply Ahmeni şasy Kir ikinjä (parsça beýik Kuroş) garşy alyp baran aýgytly göreşi hem onuň Uzboý sebitlerinde gazanan uly ýeňşi teswirlenipdir. Taryhdan bilinşi ýaly, şol söweşde Kuroşyň iki yüz mün adamdan ybarat haý-haýly goşuny, aýaly-erkegi, garysy-ýaşy deň durup, gaýduwsyz gereşen az sanly sähra merdanlary tarapyndan küň peýekun edilipdir...>>(5) Ýunan çeşmelerinde „Tumaris“ görnüşinde ýazyylan bu gahryman sak hanymyň ady, günbatar alymy Paul Wittekiň açyklamasyna görä, türki dillerdäki temir(demir) sözünüň birneme ýoýulyp ýazylşydyr.(6) Munuň özi iskitleriň iň bolmanda häkim toparynyň türk dilli halklardan bolandygyny subut edýär....

...Biziň halkymyz Çarwaçylyk bilen çomraçylygy (çomurçyly-

gy), örän güýçli basybalyjylardan zygyderli goranyp biler ýaly mydam taýýarlyk zeruraty bilen uýgunlaşdyryp bilipdir. Bu barada Emirkanyň taryhçy hem etnolog alymy, türkmen dilini örän oňat öwrenip 1962-65 -nji ýyllar aralygynda Türkmensähreda ýaşap, aýry-aýry obalarda türkmen ýaşulylary bilen gürründeş bolmak arkaly örän gymmatly maglumatlar toplap giden, Pensilwanýya uniwersitesiniň mugallymy „Wiliýam Aýronz“, türkmenleriň taryhy, gylyk-häsiýetleri we ýaşawyş terzlere hakynda ýazan ençeme ylmy işlerinde gyzykly pikirler orta atýar. Alym, oturumlylyk hem göçmenlik(çomurçylyk we çarwaçylyk) baradaky şu güne çenli däp bolup gelen ülfüleri(normlary,nusgalary) türkmenler hakda ulanylmagyň dogry daldigini, sebäbi bolsa olar çarwaçylygy (göçmenligi) diňe ýaşawyşyň ekonomik şertlerinden gelip çykýan zerurlyklar üçin däl-de eýsem köplenç syýasy maksatlar üçin saýlap alandyklaryny ýatlap şeýle ýazýar: <<Eger-de biz öňden taslanan ideal nusgany taşlasak, türkmenleriň milli häsiýetlerini has gowurak düşüňip bileris. Ýomut

ýunça gadymy ýazuw ýadigärlikleri bilen deň tutup, olary öwrenmeklige uly üns beripdirler. Türki etnonimler barada ençeme maglumatlary 2000 ýyl çemesi mundan ön ýazylan Hytaý sene namalaryndan, gadymy Grek alymlarynyň galamyna degişli taryhy işlerden tapmak mümkin...>> (1)

Gynansak-da käbir milli täsiplerdir syýasy maksatlaryň-da alymlaryň işine öz zyýanly täsirini ýetirmegi hatda kä ýagdaýlarda taryh ylmyny kolonyalistik syýasatlary öňe äkitmek üçin bir syýasy ideologiýa hökmünde ulanylmagy-da, meseläniň has gümürtik galmagyna alyp barýar. ...

...Ine şeýle ýagdaýda, biziň üçin öz taryhymyzy özümiň ýazmalydygymyz, ylaýta-da häzirkiki garaşsyz watanymyzyň gaýtadan dünýä inen buýsançly döwürde bu işiň boýun gaçyryp bolmajak borç hem mukaddes wezipedigi öz-özünden düşnüklidir. ...

...Ýokarda belläp geçişimiz ýaly saklar (iskitler) dogrusynda birinji ähmiýetli çeşme, şol döwürlerde ýaşap öten Ýunanly Herodotyň ýazan taryhydyr. Alymlaryň aglaba köpüsiniň belleýşi ýaly, Herodotyň, saklaryň dāp-dessurlary, edim-gylymlary, şonuň ýaly hem olaryň ulanan uruş taktikalary(tilsimleri) we ýaşayyş terzleri dogrusynda berýän gürrüňleri, türki halklaryň atabalarynyňky bilen gabat gelýär. Olar bütin taryhlarynyň dowamynda Hehamenidleriň haýbatly şalary Kir(Kuroş), Dara (Daryuş) we beýlekilere garşy özüleriniň ýer-ýurtlaryny, ata watanlaryny goramak üçin zýgiderli söweşip gelipdirler. Herodot olaryň käbir dāp-dessurlary we gylyk-häsiýetleri dogrusynda şeýle ýazýar:<< Saklar şalarynyň meýdini Gerrhi atly taýpanyň ýaşayan ýurtlaryna eltip jaýlar ekenler. Olar jesedi özüleriniň dini ynançlaryna uýgunlykda taýýarlanlaryndan soň, onuň ýany bilen nökerlerini, aşçylaryny, altyn pyýalalaryny, atyny jaýlap, üstüne uly depe bolar ýaly gum üýşürýärdiler hem-de bu depeleriň has uly edilmegi üçin biri-birleri bilen bäsleşýärdiler...>> (2)

Şeýle dāpler, taryhçy alymlaryň açýklamasyna görä türki halklara degişli bolup, soňra HUNLAR (gunlar) we beýleki birnäçe türki kowmlarda dowam etdirilipdir. Merhumyň üstüne uly depe gurmak, bu türki halklaryň gadymy dābi bolup, oňa Kurgan (Gorgan) ýagny depe diýilýär. Alymlar türki halklaryň ýaşan ýerlerini kesgitlemekde bu depelere manyly alamat hökmünde uly baha berýärler. Bu ýerde ady geçen Gerrhi taýpanynyň ady-da türkmen aýry-aýry taýpalarynyň arasynda ýaşayan, şonuň ýaly hem mogullaryň, özbekleriň, tatarlaryň, eýran türkleriniň etniki düzüminde bar bolan gereý taýpasynyň ady bilen gabat gelyändigini-de göz önünde tutmalydys.

Saklar bilen bir dilde geplän SARMATLARyn aýal-gyzlarynyň edim-gylymlary dogrusynda şeýle ýazýar:<< ...Sarmatlaryň aýal-gyzlary şol wagtlardan bäri özüleriniň gadymy adatlaryny saklap gelipdirler. Köplenç ýagdaýda erkekleri bilen awa gidýärler, uruşlarda söweş meýdanlaryna girip edil erkekler ýaly uruş donlara girýärler...>>(3)

„BEÝIK PARFIÝA TARYHYNA GIRIŞ„

–“Parfiýa döwletini guran atababalarymyz“ (Parlar-Dazlar) atly kitabyndan gysga bölekler.

Ýazan: **Begmyrat Gereý**

Ikinji tema: **Saklar(Iskitler)**

Parfiýa döwletini guranlar dogrusynda gürrüň gidende ilki bilen iskitlerden (saklardan) başlamasyzlyk mümkin däldir, sebäbi bu ugurda iş ýazan alymlaryň ählisi, Parfiýa döwletini guranlaryň iskitlere degişli ýa-da olar bilen arkaşykda ýaşan kowmlar bolan „PART=PARN=PARLAR“ we „DAHLAR=DAÝLAR=DAZLAR“ bolandygyny bir agyzdan ykrar edýärler. „Sak“ we „Iskit“ sözleriniň belli bir kowma, has dogrusy belli bir kowmlar birleşigine aýry-aýry halklaryň tarapyndan berilen atlardygy, ýa-da saklaryň Orta Azyýadan günbatara giden toparyna Iskitler diýen umumy at berilendigi-de jedelsiz meseledir.

Emma saklaryň (iskitleriň) dilleri, milli häsiýeti hem-de olaryň häzirki ýaşap ýören milletleriň haýsylaryna degişlidigi hakynda welin, taryhçylardyr etnologla-

ryň arasynda aýry-aýry görüşler hem düşüňjeler bar we olaryň türk halklara degişlidigi dogrusyndaky düşüňjeleriň agyr basmagyna garamazdan, kä alymlaryň olary Indogerman dilli kowmlara degişlidigini öňe sürmekleri zerarly heniz doly çözülmelik meseleligine galýar.

Emma muňa garamazdan, bu „Kowmlar fedrasýasynyň“ häkimiýet toparynyň türk dilli halklara degişli bolandygy aýdyň meseledir.

Saklardan ýazuwa geçen hiç hili dokument galmanlygy üçin alymlaryň ählisi diýen ýaly, ýeketäk çeşme hökmünde Ýunanynyň we bütin dünýäniň tanymal taryhçysy Herodotyň kitabyna we ondaky (şonuň ýaly-da käbir beýleki Ýunan taryhçylarynyň eserlerindäki) gabat gelyän sanlyja „has atlara“ hem-de olaryň gylyk-häsiýetleridir dini ynançlary we döp-dessurlary barada beren gürrüňlerine esaslanýarlar. Elbetde, arheologik barlaglaryň netijesinde, olaryň (saklaryň) maddy kulturyna degişli ýüze çykan materiýallary-da oňa goşmak bolar. Şeýlelikde ýokarda agzalan gaty az maglumatlaryň esasynda her bir alym özüçe bir

netije çykarmaga synanyşýar. Emma bu maglumatlaryň daşyndan hem biziň türkmen alymlarymyz üçin örän amatly we ylmy ähmiýeti ýokary bolan bie çeşme bar. Ol hem biziň halkymyzyň onlarça belki-de yüzlerçe taýpa, tire we urug atlary, şonuň ýaly-da köki müň ýyllaryň tümlüginde bolan ýer-ýurt hem ynsan atlary bar. Bu tire-taýpalaryň arasynda bolsa, takmynan geçen üç müň ýylyň dowamynda Orta Asiyada ýaşap geçen tas ähli kowmlaryň diýen ýaly atlarynyň yzy saklanyp galypdyr. Hut şonuň üçin hem dilçi alymymyz prof. Dr. Soltanşa Atanýazof bu barada örän ýerlikli şeýle belleýär: <<Halkyň etnogenezi (düýp kökünü, gönezliligini), onuň iňňän irki eýýämelerde ulanan sözlerini, „dilini“, hojalyk şertlerini, aragatnaşyk eden halklaryny, meşgullanan işlerini we ş.m. öwrenmekde, etnonimler bahasyna ýetip bolmajak ylmy çeşme hasaplanýar, çünki olar ençeme asyrlary, hatda müň ýyllyklary öz üstünden geçirse-de, dilimiziň gadymy sözlerini mizimez görnüşde biziň günlerimize ýetiripdir. Hut şonuň üçin alymlar tire-taýpa atlaryny ähmiýeti bo-

Ýatlama

6-njy Färwärdin

Türkmeniň şowly günleridi. Ol öz gündelik gazanyan ýeňişleriniň toýuny tutýardy. Pählawi režiminiň ýykylp, merkezi hökümetiň güýji çagşamagynyň netijesinde dörän ýagdaýdan peýdalanylýp, türkmen öz taryhy arzuw-isleglerine ýetmäge ýola çykypdy.

„Okuw gerek, hat gerek-türkmençe mekdep gerek“- „Elden giden ýerleri gaýtaryp almak gerek“, diýen sözleri diňe dilde agzamaga çäklenmän, eýsem olary amala aşyryp başlapdy. Şuralar gurup, on müňlerçe hektar ýeri, pählawileriň ýaragly güýçlerine daýanyp eýelän baýlardan, öwrüp alypdy.

Bu arada şah režiminiň tersine bir näçe terror bilen garşy çykyp, indi syýasy gudrat paýlanýşygyndan boş çykan „Pedayılar Guramasy“ täze hökümet bilen güýç synanyşmaga meýdan gözleýärdi. Türkmen-sährada bolan taryhy şertler bu mümkinçiligi olara döredipdi. Pedayılar türkmen halkynyň hereketiniň düýp mazmunyna

düşünip, oňa uýmasalar-da, türkmenler bilen „birleşip“, öz syýasy maksatlaryny merkezi hökümetiň garşysynda öňe sürmäge çalyşýardylar.

6-njy Färwärdiniň (1358 H.Ş) türkmenleriň gündelik artýan üstünlükleriniň, Günbed şäherinde tutulýan baýramçylygydy. Gabus diňiniň aýagynda toplanan türkmenler aýdymçylaryň owazyny, paýhasly ogullarynyň syýasy gürrüňlerini guwanç bilen diňleýärdiler.

Bu şadyýan habar, baryp mollalaryň sarayyna ýetişdi: „Eý tagsyr, bu göçme, wagşy halk ýene aýaga galypdyr! Ol indi eýesi özümi diýip, ýerleri eýeläp ýör. Aý, ýene bilmedim, türkmen dilim diýip agzaýar. Muny nätmek bolar?“

Mollalaryň mollasy gazabamindi: „Ýeri bolarmy wagşynyň, dili bolarmy sünniniň! Goparyň günbedi yerinden, sarsdyryň onuň yerini, dilini damagyna dikyp, yer bilen ýegsan ediň onuň çatma öýüni!“

Türkmen hiç haçan aýry bir halkyň üstüne abanyp barmandy, eýsem taryhymyzda

elmydam boluşy ýaly, ýene bir gezek duşman türkmeniň üstüne yrsarap geldi. Yslam hökümetiniň ýaraglandyryp iberen adamlary, parahatçylyk bilen gürrüň diňläp oturan türkmenleriň üstüne ok ýagdyryp başladylar we şol ýerde bir näçe adamy öldürdiler. Şol günün agşamasyndan başlap, türkmen ýigitleri:

„Agyr gün geçirýär başyndan watan ,

Bigaýratdyr bu gün biderek ýatan,

Dolanyp yzyna diri gitmesin,

Mukaddes topraga aýagyn atan.“

diýip, ýaraglanyp olara gaýtawul berip başladylar.

Hökümet 9 günlük uruşdan ýeňilip çyksa-da, indiki gurjak hileleriniň söwdasynda goşunlaryny yza çekdi.

Türkmenler bu söweşden, ýeňip çyksalar-da, ençeme gerçek ýigitlerini elden berdiler.

Ýollary dowamly, hatyralary ýatlarda we ýatan ýerleri ýagty bolsun!

Bu sanda, tertip ýüzi bilen:

- Ýatlama, 6-njy Färwärdin
- Beýik parfiýa taryhyna giriş
- Türkmen edebiyatynyň taryhyndan bir ýaprak
- Goşgy
- Demokratiýa hakda
- Tapmaçalar

آی ترهك می گون ترهك



ایوب کوزمى

20.04.2004

برای دریافت ایل گون با ما تماس بگیرید

آدرس ایل گون:

IL GÜN

Postfach 30 12 03

50782 Köln

Germany

ایل گون در اینترنت:

<http://www.geocities.com/SoHo/Gallery/3677>

پست الکترونیکی:

E-Mail: ilguen@geocities.com

شماره حساب بانکی:

Stadtsparkasse Köln

Konto No. 2083236

Bankleitzahl 37050198

- برای آبونه شدن ایل گون به آدرس ما نامه بنویسید .
- بهای اشتراک سالیانه ۲۰ مارک آلمان فدرال و یا معادل آن است .
- مبلغ اشتراک سالانه را به حساب بانکی واریز نمایید .